



# کارگران ایران

ضمیمه بهر سشنا مه قانون کار

ازگان هیئت مؤسس کفدراسیون کارگران ایران - شماره ۵ - آبان ۱۳۵۸



کارخانه‌ای که ماشین آلات پیچیده آن بدست کارگران و مهندسان ایرانی از نوساخته شد (شرح در صفحه ۳۱) - پشم شیشه شیراز

## در این شماره:

- بحران بیکاری
- سود ویژه
- قانون کار جدید
- زنان زحمتکش
- کارگران کشاورزی
- اخبار و گزارشهایی از:

پشم شیشه شیراز  
 شهرداری اصفهان  
 مس سرچشمه  
 جیت ممتاز  
 آبادان و بیرجند  
 رشت و تبریز

## شرکت در تدوین قانون کار

هیئت موسس کنفدراسیون کارگران ایران شرکت فعال در تدوین قانون کار جدید را در دستور کار خویش قرار داده و مشغول تهیه و تنظیم یک طرح پیشنهادی قانون کار است .  
برای قدم برداشتن در این راه خطیر مقاله‌ای در صفحه ۱۶ چاپ شده که توجه خوانندگان عزیز را به آن جلب می‌کنیم .

## کارگران بدون تحقیق مجله نمی‌خرند

در شماره ۲ "کارگران ایران" نظرات شما را در مورد مجله چاپ کردیم . اکنون بعد از چاپ موفقیت آمیز ۵ شماره مجله با زحمات نظرات شما را چاپ می‌کنیم تا با همکاری کارگران عزیز در بهتر کردن مجله موفق باشیم .

در مراجعه به کارخانجات مختلف و تماس با کارگران آنها و توضیح هدفهای مجله با نظرات مختلفی روبرو شدیم .

در یکی از کارخانه‌ها ، بعد از آشنائی با مواضع و هدفهای مجله گفتند : هما نظر که این مجله در جهت دفاع از انقلاب اسلامی و مبارزه با بیگانه‌پرستی کار می‌کند بسیار خوب است .

در کارخانه دیگری سوال کردند : این نشریه بجا و ایسته است ؟ توضیح دادیم که این مجله مستقل است و هدفش دفاع از انقلاب و ادامه آن و ایجاد وحدت بین کلیه کارگران ایران است .

آنها با ناباوری می‌گفتند هر روز یک گروه نزد ما می‌آیند و ما نمیدانیم کدام یک را قبول کنیم . ما گفتیم راهش این است نظر همه را با دقت گوش کنید هر کدام به نفع کارگران بود انتخاب کنید . آنها با خوشروئی مجلات ما را خریدند و قرار شد بعد از مطابقت نظرشان را به ما بگویند .

در یک کارگاه کوچک در شرق تهران دو نفر کارگر می‌خواستند مجله بخردند ولی وقتی جیبهاشان را گشتند یک تومان بیشتر نداشتند . به همین علت یک مجله شریکی خریدند .

در یک کارگاه ساختمانی موقعی که مجله می‌فروختیم یک کارگر کردبا کنجکاو وی جلو آمد . پرسیدیم مجله می‌خواهی ؟ گفت سواد ندارم . یک مجله به او دادیم و گفتیم تا ما اینجا مجله می‌فروشیم اطلاعاتهای مجله را تماشا کن . بعد از چند دقیقه که برگشتیم ، دو تومان در آورد و گفت : من هم مجله می‌خرم ، هم تا قیم سواد دارد میدهم برایم بخواند . او را تشویق کردیم از هم‌اتاقیش سواد هم یاد بگیرد .

در فروش مجله به کارگران تعمیرگاهها اکثر آنها بعد از توضیح کوتاه در مورد اینکه مجله بدو را زهرگونه اختلاف مذهب و عقیده و مراسم در جهت خواسته‌های عموم کارگران ایران قدم بر میدارد مجله را می‌خریدند .

ما خیلی خوشحالیم که کارگران بدون تحقیق و بررسی نشریه‌ای را نمی‌خرند . همین نشان دقت و هوشیاری آنهاست . امیدواریم این هوشیاری ادامه موارد حفظ کنند .

### جلسات هفتگی

هر هفته روزهای یکشنبه ساعت ۵ بعد از ظهر در محل دبیرخانه هیئت موسس کنفدراسیون جلسات عمومی برگزار میشود . در این جلسات کارگران و خصوصاً نمایندگان کارگران بطور آزاد شرکت میکنند . بدینوسیله کارگران دعوت میشود که در این جلسات جهت بحث و تبادل تجربه شرکت نمایند .

ما هنام

کارگران ایران

سردبیر و مدیر مسئول بیژن اوشیدری

نشانی : خیابان طالقانی (تخت

جمشید) بین حافظ و مصدق پلاک

۱۴۳ - تلفن ۶۶۲۲۷۹



## بحران بیکاری و کمبود مواد اولیه

بیکاری میراث سنگین رژیم شاه

در واقع دولت شاه صلاح دیده بود که غیر دزدی مستقیم با دست زدن به اجرای طرحهای اقتصادی دهن پرکن به ظاهری بزرگ و دریا شن پوشالی کبیسه خود را برکند. اما با سقوط دیکتاتور و عقب نشینی امپریالیزم طرحهای جاه طلبانه مشترک شاه و امپریالیزم نیز مدفون شد و نیروی کار فراوان و دهها هزار کارگر و کارمند و متخصص که سالها هرز میرفت آزاد شد، به زبان دیگر خیل عظیمی از بیکاران را شکل داد.

در جریان انقلاب دار و دسته پهلوی و آبادی دیگر سرمایه داری بین المللی با دزدیدن و خارج کردن ۴۰ میلیارد دلار پول پرونده سیاه خیانت خود به ملت ایران را کامل کردند. پولی که در صورت وجود یک سیاست درست اقتصادی و ملی میتوانست اقتصاد ایران را زیرورو کند. ثروتی که اگر بیین جمعیت ایران تقسیم شود به هر کدام بیش از ۳۰۰ هزار تومان میرسد.

### منافع ملی یا منافع شخصی

از طرف دیگر بعضی سرمایه داران داخلی با انتظار تضمین سود و ثبات شدن اوضاع دست روی دست گذاشته و رغبت چندانی برای سرمایه گذاری های تولیدی از خود نشان نمیدهند و این البته بیشتر نشانه ندهنده نفع طلبی بیش از حد خود خواهی برخی از کارفرمایان است که منافع خصوصی خود را بر منافع ملی و اکثریت مردم ترجیح میدهند، این مسئله خود بیکاری و کمبودی بیشتر ایجاد مینماید. در کنار این مسئله باید به انتقال سرمایه از بخش صنایع و تولید به بخش بازرگانی و تجارت اشاره شود که عاملی دیگر بر تشدید بحران بیکاری و کمبود مواد اولیه و ادامه وابستگی به خارج است.

بقیه در صفحه بعد

تسلط طولانی امپریالیزم مشکلات بسیاری برای ملت ایران به وجود آورده است. مشکل بیکاری و کمبود مواد اولیه از این دسته اند. این دو مسئله ضمن تهدید اقتصاد ایران و اشتغال نیروی کار در کنار سایر مسائل بردوش ملت مازما به خصوصی زحمتکشان سنگینی میکنند و میباید تمام قوادر حل آنها کوشید و انقلاب را از شکست و توقف نجات داد. حال بسینیم مشکلات موجود چگونه ریشه در طرز کار رژیم پهلوی و امپریالیزم دارد و چگونه اقتصاد شکوفان مورد نظر شاه مثل یادگنکی ترکیب و مانع بخارنا پدید شد.

بنظر ما علت اصلی بیکاری فعلی ضربه خوردن بر اساس اقتصاد وابسته به امپریالیسم بوده که متاسفانه تا کنون نیز برنامه اقتصادی ملی جان نشین آن نشده است. در زیر سایر علل بیکاری و کمبود مواد اولیه را هم با زگو میکنیم:

۱- خروج بیش از ۴۰ میلیارد دلار پول (معادل دو سال درآمد نفت) توسط شاه و سایر پرنوکران امپریالیزم از ایران

۲- تعطیل و توقف فعالیتهای دولتی

۳- عدم تمایل کافی به سرمایه گذاریهای جدید از طرف کارفرمایان خصوصی

۴- انتقال سرمایه ها از صنعت به تجارت و بازرگانی

۵- نبودن یک سیاست روشن یا برنامه اقتصادی از طرف دولت

۶- کارشکنی امپریالیست ها و عوامل داخلی آنها

۷- توقف چندین ماهه واردات در جریان انقلاب اکثر طرحهای دولتی رژیم شاه ضد مردمی، غیر ضروری و نامیشی بود. مانند سیاست ارتشی، نیروگاههای برق اتصی، ساختمان کاخها و مراکز عیاشی دربار و مجتمع های توریستی و از این قبیل امور که تنها به هدف دزدی و با ایجاد ناآرامی برای اطرافیان شاه به مورد اجرا گذاشته میشد.

**مواد اولیه**

نگاه کنید به این به اصطلاح کالاهای پیچیده‌ای که بصورت مواد اولیه، نیمه ساخته و مواد غذایی باید وارد شود. آیا باطری و لاستیک اتومبیل، مابون، روغن نباتی، برنج و تخم مرغ، خوراک دام و طیور مواد شیمیایی پلاستیک سازی، رنگ، نخ، سیمان آرد، گندم، سیخ مقنول و ورق آهن، علوفه دام، میوه، الوار و حتی نفت سفید مواد و کالاهایی بودند که امکان تولید و ساخت داخلی آنها وجود نداشت؟ آیا کود شیمیایی و سم نباتات و بذر مورد نیاز کشتار و رزاق نمیتوانست به دست خودمان و در داخل تولید شود؟ اینهاست آن جنرال مواد اولیه که انقلاب را به خطر انداخته و کارگران را آواره و بیکار کرده است. کاهش تولید، گرانی اجناس و بیکاری همه از عواقب وابستگی به امپریالیزم میباشد. عواقبی که بیش از همه طبقه کارگران را آزار میدهد و استقلال مملکت را تهدید میکند و باعث سوء استفاده عوامل ضد انقلاب و شوطه گر میگردد.

خوب حالا در مقابل این همه مشکل چه باید کرد؟ آیا تسلیم شویم و دوباره شاه با کسی مثل اورا سرگردانیم و این مملکت را تقدیم امپریالیزم کنیم تا حداقل به وضع سابق بازگردیم یا مبارزه کنیم و روحیه خودمان را بالا ببریم؟ به نظر ما راه یکطرفه است و در این کار رزاک که استقلال ایران مطرح است بزرگترین نقش را زحمتکشان دارند. برای رفع این مشکل دولت باید با تکلیف و اعتماد بیشتر به توده های مردم سیاست اتکا به تولید داخلی را ادامه دهد. صنعتگران کوچک و متوسط و کشتار و رزاق را در برابر دولت کمکی پولسی و فکری حمایتان کند. مردم را از مسایل هر چه بیشتر آگاه سازد و به نقش فعال آنها احترام بیشتری بگذارد و راه را برای دخالت انبوه توده ها بازتر کند سیاست محولانه برگشت به واردات را در پیش نگیرد و برعکس آنها به حداقل رساند مگر در مواردی که احتیاج به وارد کردن مواد اولیه مورد نیاز زندگی زحمتکشان باشد. کشتار و رزاق را در سطوح کوچک و متوسط و صنعت را در بخشهای ضروری پشتیبانی کند. سرمایه داران و کارفرمایان را که امکان

راه اندازی تولید و فعالیت را دارند و دارنده کارکنند حقوق بیکاران را در ایام بیکاری بپردازند و زندگیشان را تا مین کنند. بدانند که خواسته های کارگران و زحمتکشان بیکار برحق است و باید به آن حداً رسیدگی شود - و متوجه باشند که اکثریت افراد بیکار ربعت شرکت در انقلاب کارشان را از دست داده اند. دولت باید پس مبارزه اصیل و خواسته های اکثریت بیکاران و عوامل ضد انقلاب فرق گذارده و بدانند که علیرغم حضور و وجود چند عنصر ضد انقلابی و فرصت طلب خواهی بیکاران کاملاً برحق و به نفع استقلال سیاسی و اقتصادی مملکت است.



**نویسندگان و خواننده**

**هر دو مسئول مجله هستند**

برای آنکه نوشته های غیرقابل فهم، شوخا لسیسی و سبب روح به مجله را پیدا نکنند، برای آنکه مجله شما همواره مثل یک آینه روشن واقعیت زندگی پر جوش و خروش و مبارزات بزرگ زحمتکشان را منعکس کند چاره ای جز این نیست که ارتباط دائمی با سسین کارکنان مجله و خوانندگان آن برقرار باشد.

کارکنان مجله این را بر مبنای خود قرار داده اند که ما بندها کردی کوچک در میان زحمتکشان ما شد و از آنها بیاموزیم که چگونه میتوان به ساده ترین زبان واقعیات زنده میا رزاق و زندگی زحمتکشان را بازگو کرد و مشکل ترین مسایل را آموزش داد. اما برای آنکه این ارتباط هر چه وسیعتر باشد انتظار داریم کسسه خوانندگان نظریات خود را بگویند، نامه و مقالاتی بنویسند تا بدانیم که چه چیزی مورد پسند آنها است و چه چیزی مورد پسند آنها نیست.

کارکنان مجله

**گزارش زیرضمن مباحثه با چند تن از اعضای شورای کارخانه چیت ممتاز تهیه شده است**

"میزان تولید کارخانه نسبت به زمان قبل از انقلاب تقریباً دو برابر شده یعنی به هر ۷۵ هزار متر با رجه در روز رسیده است. مرغوبیت یا رجه در حدی است که تا جران یا رجه تولیدات کارخانه را تا پایان سپهر آینده پیش خرید کرده اند. این محصولات توسط ماشین آلاتی تولید میشود که در حدود ۲۲ سال است کار میکنند و اگر دلسوری و مراقبت کارگران با تجربه نباشد جرخ کارخانه بر احمق افتد".

در ادامه گفتگوی اعضای شورا متوجه میشویم که کارگران علاوه بر رشد و توسعه اقتصادی ملی کوشش در راه تامین نیازهای رفاهی رانیز در سرلوحه کار خویش قرار داده اند بطوریکه شورای کارخانه تاکنون توانسته است - لیس سخنرانی، کتابخانه، کلاس پیکار با سواد را راه اندازد، برای قسمت‌های آب سرد کن تهیه نماید و ساعتی حمام را در دستور کار خود قرار دهد...

**تامین مصرف داخلی توسط کارگران انقلابی**



**تعداد کارکنان**

کارگران با تجربه با مراقبت فراوان معایب آنها را رفع میکنند.

این کارخانه ۲۲ سال پیش بصورت کارخانه پوست و پشم (دباغی) تاسیس شده و بعداً به کارخانه نساجی تبدیل شده است. تعداد کارکنان کارخانه ۲۵۰۰ نفر است که از این عده ۱۵۰ نفر کارمند هستند.

**فعالیت شورا**

پیش از ۱۰۰۰ کارگر این کارخانه را واخر سال ۵۷ استخدام شده اند. در حدود ۱۲۰ کارگر پاکستانی و سنگلادی در این کارخانه کار میکنند که پس از پایان قرارداد دسجای آنها کارگران ایرانی استخدام خواهد شد. ضمناً ۶۰ نفر کارگر زن نیز در این کارخانه کار میکنند.

شورای کارخانه در ابتدا به اسم کمیته شروع به کار نمود و در ۲۱ فروردین شورای اسلامی کارخانه با تحدیدات مشخصات تشکیل شد.

شورا اساساً کارگری است و فقط یک نماینده کارمند در آن شرکت دارد. از اقدامات شورا اخراج ۱۲ نفر مدبران وابسته به یاسینی و ملی اعلام کردن کارخانه است. بعد از روشن شدن سیاست دولت نسبت بقیه در صفحه بعد

**وضع تولید**

تولید چیت ممتاز قبل از انقلاب حدود ۴۰ هزار متر در روز بوده که در حال حاضر در حدود ۷۵ هزار متر است. در گذشته مواد اولیه (رنگ و پنبه و الیاف مصنوعی) مورد استفاده درجه ۲ و درجه ۳ بود ولی حالا از مواد درجه یک و درجه ۲ استفاده میشود. مرغوبیت جنس از لحاظ ثابت بودن رنگ و دوام با رجه باعث شده بنگذاران تولید کارخانه را تا سه ماه بعد از عید پیش خرید کنند.

علت بالا رفتن تولید لگرمی کارگران و توجه آنان به نیاز مملکت است و خصوصاً از رهنمودهای امام در مورد جهاد سازندگی پیروی میکنند.

ماشین آلات کارخانه ۲۲ سال است که کار میکنند و احتیاج به تعمیرات اساسی دارند و در حال حاضر

بدون شرح





به این نوع کارخانجات ، یک مدیرعامل بنام آقای پرویزمقدم برای کارخانه تعیین شد . شورا در این مدت یک سالن سخنرانی و یک کتابخانه دایر نموده و در ضمن کلاسهای بیکار با بسوادی راه راه انداخته و ۵۰ آب سردکن نیز برای قسمتهای مختلف کارخانه تامین کرده است . و فعلا در حال ساختن حمام برای قسمتها میباشد . ضمنا در جلسات سخنرانی مسائلی اسلام نیز آموزش داده میشود . کارگران اضافه حقوق و مابقیه التفاوت حداقل دستمزد را گرفته اند و منتظر تصمیم دولت در مورد سودویزه هستند . ضمنا با برکناری مدیران عامل کارخانه مبلغ زیادی صرفه جوئی وسین کارگران تقسیم شده . در این کارخانه زبختی اعلامیه های مختلف جلوگیری میشود زیرا کارگران معتقدند هر کس حرفی دارد میتواند در جلسات علنی بزند .

امکانات و مشکلات

شورای کارخانه اعتقاد دارد که کمیبود فعلی کارخانجات ناشی از نبودن مواد اولیه و مدیریت درست است . به عقیده شورا اگر سایر کارخانجات هم بتوانند مانند آنها با حداکثر ظرفیت کار کنند خواهند تولیدات صد درصد احتیاجات داخلی را تامین نمایند ، اعضای شورا عقیده داشتند که میتوانند تولید کارخانه را تا ۸۵ هزار متر در روز بالا ببرند . ضمنا نمایندگان شورا در نظر دارند اتحادیه ای از صنایع نساجی در مرکز بوجود آورند . کارخانه فعلا نگران کمیبود مواد اولیه یعنی الیاف مصنوعی و ابریشم است . در حال حاضر از موجودی کارخانه استفاده میشود و ضمنا حدود ۹۰۰ تن مواد اولیه به خارج سفارش شده که مقداری از آن در راه است .

پیشنهادهای

نمایندگان شورا ضمن گله از وضع بیمه پیشنهاد میکنند که کارگران نیکه در شرایط سخت کار میکنند باید بعد از ۲۵ سال بازنشسته و آزمایشی بازنشستگی استفاده کنند . مخصوصا که اغلب نسا جان از حدود ۱۵ سالگی شروع به کار میکنند و برای بازنشستگی

نمی توانند تا ۶۰ سالگی صبر کنند . در مورد بیکاری هم دولت میتواند کارگران سالخورده را زودتر بازنشسته کند و بوضع ارتشیان و کارمندان که در چندجا مشغولند و خصوصا افسرانی که در کارخانجات هنوز مشغول انتظامات هستند رسیدگی کند و بجای آنها کارگران بیکار را بگمارد .

به عقیده شورا با توجه به شرایط سخت کارناجاها ، رطوبت ، هوای آلوده و سروصدای زیاد و کار ایستاده صنایع نساجی باید جزو صنایع سنگین محسوب شود تا کارگران آزمایشی بیشتری برخوردار شوند .



"کارگران ایران" : موفقیتهای چشمگیر شورای جیت ممتاز نمونه برجسته ای از ایستگی کارگران ایرانی و نشان رشد اجتماعی آنهاست . ما این موفقیتها را به کارگران جیت ممتاز صمیمانه تبریک گفتیم و پیروزیهای بیشتری برای شورای منتخب آنان آرزو داریم .

دولت در نظر دارد سود ویژه را که شاه خائن برقرار کرده بود لغو کند. چون این یک مسئله مهم کاری است پس همه با بد در مورد آن نظر بدهند. این مقاله که توسط چند نفر از ایران کارگرتپیه شده جهت بازگشایی بحث سود ویژه عینا آپ میشود.

## معمای سود ویژه

چرا شاه دستور پرداخت سود ویژه را داد؟ میدانیم که پرداخت سود ویژه بعنوان یکی از اصول با اصطلاح انقلاب سفید در زمان شاه مخلوع با جراد آمد. اما شاه که خود یکی از درنده ترین حکومت های ضد کاری جهان را رهبری میکرد و عاقبت هم بدست کارگران و زحمتگشان سرنگون شد چگونه میتواندست قدمی در حمایت از کارگران بردارد؟ پس باید زیرکانه نیم گامی باشد رژیم با احساس خطر از جانب طبقه کارگر، نیروی پلیس و ارتش و تبلیغات خود را روی کارگران متمرکز ساخته بود و کوشش میکرد خفقان حاکم بر کارخانجات و استثمار کارگران را به نحوی پرده پوشی کند. یعنی یک هدف سیاسی و اقتصادی را با هم دنبال میکرد و سعی داشت ذهن کارگران را منحرف و آشفته کند یکی از راههای رسیدن به این هدف پرداخت سود ویژه بود میدانیم روشهای مختلفی برای پرداخت دستمزد وجود دارد و سود ویژه هم قسمتی از دستمزد است که با نام قلبی و جعلی سود ویژه پرداخت میشود. همینطور است مخارج نهار، پول کرایه رفت و آمد، حق بیمه، عیدی و پاداش که جملگی اشکال مختلفی از پرداخت دستمزد هستند. اما از میان این شیوه ها سود ویژه از همه حيله گرانه تر و گمراه کننده تر است.

هر سرمایه داری میدانند که زمان رونق بازاری تولید زیاد به نفع اوست اما برای تولید بیشتر احتیاج چه کارگر زیادتری دارد و وقتی نیاز به استخدام کارگر با لاف دستمزدها هم اضافه میشود

با وجود نیروی کار فراوان احتیاج چه کارگر دانه بیشتر میشود و خطرا افزایش دستمزد کارگران را تهدید میکند

سرمایه داران که هیچ وقت به میل خود دستمزدها را با لایمی بردند بر سر دوراهی گیر کرده بودند با یک ناظر یک مبارزه دسته جمعی کارگری برای افزایش دستمزد می شدند و با به روش حيله گرانه شاه و پرداخت سود ویژه تن میدادند. واضح است که راه دوم برای آنها خیلی مناسب تر بود. پس با یک تیر دو نشان زدند.

اولا، تا آنجا که ممکن بود کنترل دستمزدها در دست خود گرفتند، در ثانی بر روابط استثماری کارگر و سرمایه دار سرپوش گذاشتند.

اما چطور این کار ممکن بود برای روشن شدن بیشتر مطلب، مقایسه ای بین سود ویژه و دستمزد معمولی لازم است.

کارگران میدانند که افزایش دستمزد را میشود به کارفرما تحمیل کرد و با مبارزه پرداخت آن را قانونی نمود و سرمایه دار نیز نمیتواند با سانی زیر قانون زده و دستمزدها کاهش دهد. اما در مورد سود ویژه چنین نیست کارگران قادر به کنترل سود و زیان کارخانه نیستند و دسترسی به اسناد و اوراق سرمایه دار مشکل است. پس نمیتواند مقدار واقعی سود را کم تر و یا حتی بجای سود ضرر نشان دهد.

دستمزد معمولی با لافتن قیمت ها اضافه میشود در صورتیکه سود این خاصیت را ندارد. بعلاوه کارفرما قادر نیست در صورت کسادی بازاری کاهش تولید دستمزدها را با ثبات بیاورد در حالیکه میتواند سود ویژه را کم و زیاد کند.

کارفرما مجبور است دستمزد را بعنوان پایداری برای سایر مزایا مانند اضافه کاری، شب کاری، اضافه حقوق، بیمه درمان، حق بازنشستگی و... در نظر بگیرد اما سود ویژه در این مورد خالت ندارد و این امر به ضرر کارگروه نفع کارفرماست. همچنین کارفرما نمیتواند در مواقع کسادی بازار، غیبت کارگر، اعتصاب، کم کاری، تعطیل موقت تولید، وارد شدن خسارات عمد و غیر عمد یا مرخصی دستمزد کارگران را نپردازد و یا کم کند و دولتی قادر است همه اینها را از سود ویژه کم نماید.

مسئله دیگر که در قانون پرداخت سود ویژه اجرا میشود، پرداخت آن سه ماه پس از استخدام بود و این خود وسیله ای بود تا کارفرما با عینا و بین مختلف بقیه در صفحه بعد

## اخراج عناصر فاسد

در یکی از جلسات هفتگی که روزهای یکشنبه هر هفته در محل دبیرخانه هیئت موسس تشکیل میشود یکی از کارگران نظریه‌یست موسس را درباره سندیکارهای قدیمی که اکنون بعد از انقلاب هم فعالیت دارند سوال نمود. از آنجا که این موضوع یک مسئله عمومی کارگران است که میخواهند تشکیلات واقعی نمایندند منتخب خود را از تشکیلات غیر واقعی و فرمایشی جدا کنند خلاصه‌ی حوایی که در این جلسه داده شد جایز میشود:

"همه میداند که در زمان رژیم ضدکارگری شاه اکثر سندیکارها و اتحادیه‌های کارگری تحت نفوذ کارفرما، دولت و ساواک بود و عواملشان در رأس آنها قرار داشتند و فقط بعضی از آنها توانستند سلامت کارگری خود را حفظ نمایند و به فعالیت مخفی یا علنی خود ادامه دهند.

به هر حال پس از سرنگونی رژیم و کونا شدن دست ساواک شرایطی بوجود آمده که کارگران میتوانند نماینده خود را در تشکیلات واقعی کارگری انتخاب نمایند. البته اکنون هم کارفرمایان به اشکال مختلف سعی میکنند که عوامل خود را در رأس تشکیلات کارگری قرار دهند. ولی ما کارگران با هشیاری تمام میبایستی مجمع عمومی را در کارخانه‌های خود تشکیل داده و تجدید انتخابات واقعی نمایم.

بنا بر این آن دسته از سندیکارها و اتحادیه‌ها که بعد از انقلاب تجدید انتخابات نموده و مورد قبول و اطمینان کارگران قرار گرفته و نماینده واقعی خودشان را انتخاب نموده اند طبیعتاً "مورد قبول هیئت موسس کنفدراسیون کارگران هم میباشند.



سها نهگیری کنند و کارگران قبل از پایان سه ماه از کار اخراج و بیکار رکنند. بعلاوه هیچ کارگری را تمییز یا تهدید یا تطمیع در باره دستمزدها بجا نیاورد. کارگران واداشته کاری که سرما به داخل خلی خوب با سود ویژه میگردد. وی بمحض اعتراض کارگران برای افزایش دستمزدها هرخواست دیگر سود ویژه را به سرخ میکشید و از آنجا که سود معمولاً هرش ماه یا در پایان سال پرداخت میشود کارگر مجبور بود ما هم صبر کند تا سودش را بگیرد چون میداند در صورت اعتراض این حق از جنگش میروند. همچنین او مجبور بود در صورت یافتن کار بهیترتا دریافت سود ویژه معطل بماند و کارش را عوض نکند.

کارفرما با بهر کشیدن سود ویژه کارگران را به کار سریع تر و شاق تر وادار میکرد تا با اصطلاح سود بیشتری بآنها بپردازد.

در ضمن سرما به دارا پرداخت سود، خود و کارگر را هم منفعت نشان میداد و ما هیت استیفا رکننده خود را بزرگ میکرد و این عقیده را در ذهن کارگران رسوخ میداد که در منافع کارخانه سهم اند و فرقی بکارفرما ندارد و دارند امیری که دولت شاه خائن هم تبلیغ میکرد اما کارگران باید بدانند که این تفاوت وجود دارد تا بتوانند آنرا از میان بردارند و کارفرما دقیقاً از همین آگاهی میترسد چیزی که یکی از قویترین اسلحه‌ها برای ما کارگران است.



اسدواریم مقاله فوق مقدمه‌ای باشد برای آغاز بحث سود ویژه در میان کارگران. لازم به یادآوری است که سود ویژه هنوز قطع نشده و کارفرماها موظف به پرداخت آن میباشند. یک پیشینه‌ی دهم این است که در صورت لغو سود ویژه مبلغ آن باید به دستمزدها کارگران اضافه شود. نظرات خود را در مورد سود ویژه برای ما بفرستید.



برای ایجاد دستگاه دوش در کوره‌ریخته‌های محمودآباد ما رایاری کنیم



## کار کودکان در جهنم کوره‌ها

وارد جاده‌ها و ران که می‌شوی سیاهی دود راه کوره پزخانه را نشانت میدهد، دود آنقدر زیاد است که توک دودکشها، بلندرا هم به سختی میتوان تشخیص داد.

در جاده‌ها کسی که بدمر فکوره پزخانه میروی کامیونهای پراز آحری را میبینی که از کنار ترمدمی‌شوند و خاکشان لباس را سفید میکند؛ جلوتر که میروی بچه‌های کوچکی را میبینی که در میان خاک و دود بازی میکنند. واقعا اگر روزی آنها را با وضع بهتر ببینی بازشناختشان برایت مشکل میشود. بعدخانه‌ها - نشان نمایان میشود، خانه که چه عرض کنم، آلونکهای کوچکی که از دود سیاه شده اند اطاقهای سه در چهاری هستند که در هر کدام، ده دوازده نفر و شاید بیشتر زندگی میکنند.

آب آشامیدنیشان را از شهر میاورند ولی لباسها و ظرفشان را با آب چاه می‌شویند. این آب آنقدر شورا است که قابل خوردن نیست و انباشته از انواع میکروبها و آلودگی است. آب تنها حمام محل هم از این جاها تامین میشود.

کار در کوره پزخانه سن و سال نمی‌شمارد. کودکان از موقعی که بتوانند حتی یک گشت بردارند شروع بکار میکنند، دختر و پسر سه پدرو ما در کمک میکنند تا نه تنها خرج زندگی روزانه‌شان را تامین کنند بلکه پس اندازی هم برای مدتی که کار بعلت بارندگی تعطیل میشود و آنها بیکار میشوند داشته باشند.



زندگی در میان خاک و دود چهره‌هاشان را چنان سیاه میکند که تشخیص رنگ پوستشان را مشکل کرده، تنها حمام موجود هم جاره این کار را نمیکنند چرا که گنجایش تمام کارگران را که در تنها روز تعطیل هفته به حمام میروند ندارد و اگر کسی هم موفق شود که حمام کند در راه برگشت به خانه مدت زیادی نمیگذرد که قشرنازکی از دود و خاک بدنش را میپوشاند.

با این زندگی سخت و توانفرسا شورو شوقی که در بچه‌ها برای درس خواندن وجود دارد قابل تحسین و شگفتی است. فصل مدرسه که میشود تعدادی از بچه‌ها که غالباً پسرند به مدرسه میروند. البته تعدادشان انگشت شمار است چرا که این کار نه تنها هزینه زیادی در بردارد با عث کم شدن درآمد خانواده هم میشود و در واقع از دو جهت سه ضررشان تمام میشود.

در کوره‌ها کودکان و زنان در کار خست مالمی، و انبار کردن آجر شرکت فعال دارند.

اربابها برای استعمار بیشتر کارگران و درگیری کمتر با آنها از سرکار بگرا استفاده میکنند، سرکار بگرا را در فصل زمستان با مقدار متناسبی پول روانه روستاهای خراسان کرده و سه روستایشان در مقابل کار ۶ تا ۸ ماه از بشارتا با شیز حدوداً مبلغ ۵ تا ۶ هزار تومان پرداخت میکنند و جگر گوشگان آنها را اجاره کرده و در فصل کار بسر حمانه سه کار میگیرند. و با پول را قرض داده که در فصل کار آنها پول را برگردانند و در مقابل تولید هر هزار آجر ۷۲ ریال از مزد این کودکان کسر میکنند.

کارگران در کوره پزخانه‌ها بعلت کار رکنتراتی ساعات کار مشخصی ندارند و اغلب از سپیده صبح تا غروب کار میکنند.

محمد رضا پسر بچه ۱۳ ساله‌ای که قالب کشی میکند در روز متجاوز از ۱۲ ساعت کار میکند. کلاس اول و اهنماشی است. در اکثر تظاهرات شرکت داشته و خودش میگوید:

خبری نیست حتی موقع بارندگی که بیکار میشوند با بیدار زحیب بخورند. به علت دور بودن از شهر محبورند که مواد غذایی شان را از تنها مغازه موجود که اجناس را به چند برابر قیمت میفروشد خریداری کنند و البته معلوم است که این پول به حسب چه کسی میرود.

زندگی در کوره پزخانه برای افراد معمولی سخت و توانفرسات و فقط انسانهایی مانند کارگران کوره پزخانه هستند که میتوانند این شرایط زندگی کنند. کارکنند و زنده بمانند و به همین دلیل آنها انسانهایی هستند سر بلند و مغرور و مبارز و دلیر که با وجود محروم بودن از ابتدائی ترین امکانات زندگی با محرومیتهای موجود مبارزه میکنند. مبارزه برای زنده ماندن ..... دستهای پینه بسته و ضخیمشان نشانه پایداری و استواری شان است. نشانها مبارز بودنشان و نشانها مشکلات و مصائبشان.

این مبارزه ای است که همه آنها را به خود مشغول داشته است چرا که تنها همکاری و همراهی است که میتواند در این مبارزه یاریشان کند.



برات علی که از ۶ سالگی شروع به کار کرده و اکنون ۱۲ سال دارد در ازای ۷ ماه کار ۵ هزار تومان مزد میگردد. خودش میگوید "حق من را از باب بگیره، از صبح تا شب کار میکنم، اگر کارگر با هم یکی بشن می تونن حقشان را بگیرند".

یوسف پسر ۱۷ ساله ای که قالب کشی میکند و پدر و مادرش در ده زندگی میکنند؛ میگوید: "حدود ۱۰ ساله که از صبح تا شب همه اش کار میکنم کجا ما میخولیم رشد کنیم، چه هم این دنیا یعنی همینجا".

از سینه و باز نشستی در اینجا

"ما از دولت خیلی راضی هستیم فقط اگر دولت کمک کننده کاری بشه که از خشت مالی راحت بشیم خیلی خوب میشه".

پسر ۱۰ ساله ای که پدر و مادرش در ده مانده اند و او را به استادکار اجاره داده اند تا برایش کار کنند از ساعت ۵ صبح تا موقعی که هوا تاریک میشود کار میکنند.

علی پسر ۱۰ ساله ای که اهل گناباد است و کارش خشت جمع کردن است و از کله سحر تا بوق شب کار میکند در مقابلش ماه کار ۱۵۰۰ تومان مزد میگردد و بقیه پول خودش تنها با زیش خشت جمع کردن است.



ترتیبی داده که مرا اخراج کنند و ضمناً هیچ حق و مزایای این ۱۲ سال را نپرداخته. در گفتگویی که با دبیر سندیکای کارگران کوره پزخانه های محمودآباد داشتیم گفتند تاکنون کارگرانی را اخراج کرده اند که یک ماه مزایا به آنها تعلق گرفته و سندیکا هم اقدام کرده ولی مواردی هم هست که به کارگران اخراجی پولی نپرداخته اند

درد دل یک کارگر کوره سوز

اسم من ناصر سگی است و در کوره آجر کشمیریان ۱۲ سال کار کرده ام و حالا کارفرما بدون هیچ دلیلی اخراج کرده اول به سندیکا مراجعه کردم کارفرما آمد و گفت صد هزار تومان خرج می کنم و نمیگذارم تو کار کنی. صاحب کار ورقه ای داد انگشت زده و برده وزارت کار که اصلاً اثر انگشت من نبوده و

## سه میلیون کارگر کشاورزی

"بائین ترین دستمزد در بدری در فصل زمستان و ایام بیکاری - کار سنگین آفتاب به آفتاب - محرومیت از بیمه های اجتماعی - محرومیت از حق مسکن ، حق اولاد - محرومیت از تشکیلات کارگری ... در چنین شرایطی است که ۳ میلیون کارگر کشاورزی ایران خوراک من و تو و ۳۶ میلیون جمعیت ایران را تهیه میکنند."

برای نمونه کافی است گفتگوئی با یک کارگر بلوچ را که بدنیال کار آواره تهران شده بود نقل کنیم:

- برادر است چیست؟

- محمدعلی شاکر .

- چرا به تهران آمدی؟

آهی می کشد و خلاصه حرفش این است که زمین ندارد و محبوس است هر روز برای یک نفر کار کند. وضع کار هم بدتری حراب است که گاهی محبور میشود در مقابل ۹ تومان روزی ۱۰-۱۲ ساعت بیل بزند. تازه مدت بیکاری هم باید از جیب بخورد و به همین علت اجارا راهی تهران شده چون شنیده است اینجا مزد کارگر ۶۰-۷۰ تومان است .

وقتی از ۱۲ ساعت کار روزانه حرف میزند بی اختیار یاد حرف یکی از "رجال" سابق می افتد که در مقابل اعتراض به مقررات ۱۰ ساعت کار کشاورزی گفته بود:

"آقا ، چرا نتجیده حرف میزنید! ما که نمیتوانیم از رویا نشی ها مقرراتی تر باشیم. در بخش کشاورزی آنجا هم کارگران روزی ۱۰-۱۲ ساعت کار میکنند."

بعد که پرس و جو میکنیم تا دفعه دیگر "نسخه" حرف نزنیم معلوم میشود که برعکس، در کشورهای اروپائی حقوق و مزایای کارگران بخش کشاورزی خیلی بیشتر از بخش صنعتی است. اگر چه به علت طبیعت تولید کشاورزی که اغلب احتیاج به بیشتر از ۸ ساعت کار روزانه دارد کارگران گاهی تا ۱۲ ساعت کار میکنند ولی اولاً هر چه بیشتر از ۸ ساعت کار کنند اضافه کار میگیرند و ثانیاً در فصل بیکاری یعنی زمستان هم که کار نیست حقوق خود را تماماً و کمال

دریافت میکنند .

از اینها گذشته با بیای کارگران بخش صنعت از کلیه مزایای عمومی کارگری مانند بیمه بازنشستگی و حقوق بیکاری و غیره برخوردارند. در حالیکه معلوم نیست وقتی یک کارگر کشاورز ایرانی بیرو فرسوده شد از کجا یا بد بخورد؟ اگر مریض شد و نتوانست سر کار حاضر شود چه کسی حقوق او را پرداخت میکند؟ یا اگر از تراکتور بپرت شود در صورت نقص عضو یا مرگ - چه کسی مسئول است؟ آیا مرجع رسیدگی وجود دارد؟

تا آنجا که سبب دادرسی در رژیم ضد کارگری شاه خائن به محض کوچکترین اعتراض کشاورزان بلافاصله سر و کله ژاندارمها پیدا میشود در صورت شکایت زحمتکشان روستائی در واقع از جالبه به جاده می افتادند در سرزمین بیخواب و بیخوابی و بیخوابی که در سطح کشت و صنعت ها ، واحدهای تولید مواد غذایی و دامی برانگنده اند که حفظ استقلال کشاورزی ایران بطور عمده بر دوش آنهاست و مسایلشان آنقدر زیاد است که حتی اشاره به آنها هم در یک مقاله نمیگنجد. ما سعی میکنیم در هر شماره بخشی از مسایل این زحمتکشان را با زگو کنیم به امید آنکه هر چه سریعتر حل مشکلات ستمدیده ترین بخش خلق در دستور کار انقلاب قرار گیرد .



**کوتاه و پر معنی**  
 چند حکایت آموزنده

● شاگردی از معلم خود پرسید، کدام یک از این دو سرمشق بهتر است:

- مردم با ایدانصاف را رعایت کنند
- مردم نباید ظلم را تحمل کنند

معلم جواب داد: البته سرمشق دوم بهتر است زیرا کسانی که امکان زورگویی دارند زیاده‌نویسند ولی مردمی که به آنها ظلم میشود خیلی زیادند و اگر تصمیم بگیرند ظلم را تحمل نکنند به آسانی کلک زورگویان کنده میشود.

نکته

● بیش از مرگ باید از زندگی بدترسید. گاهی لازم میشود که زندگی بدی را که داریم به خطر بیندازیم تا زندگی بهتری بدست آوریم.

زن آشپز و اداره مملکت

● مرد زیرکی عقیده داشت که هر زن آشپزی باید بتواند مملکت را اداره کند. از او پرسیدند که منظور شما از این حرف چیست؟ جواب داد: "منظورم این است که هم زن آشپز و هم دستگاه اداره کشور هر دو باید عوض شوند"

خاصیت انقلاب

● مردی که از زندگی خود نا راضی بود برای تسکین روحی دست به سفر زد و تمام دنیا را زیر پا گذاشت. در پایان سفر بیجا ره‌نرا قفل به وطن خود برگشت. در رختخواب افتاده بود و روزهای آخر عمرش را پشت سرمیگذاشت. یک روز خانه‌اش در اثر انفجار بمب آتش گرفت. جنگ بود و دشمن بمبی بطرف مردمی که پشت خانه او سنگر داشتند پرتاب کرده بود. مردم با عصانیت از جا بلند شدند و آتش را با کمک مردم خاموش کردند. بعد به مردم پیوست و همراه آنها به تعقیب سربازان دشمن پرداخت و تا چند سال در جنگ انقلابی شرکت داشت. دیگر کسی نشنید که او از وضع روحی خود شکایت داشته باشد.

نکته

● شرایط زیادی لازم است تا انقلاب پیروز شود ولی کار

انقلابی هیچوقت تعطیل نمیشود و همیشه قابل انجام است.

نکته

● آنکه مردم را دوست ندارد از زندگی خود لذت نمیبرد.

زندانی و پرنده

● شخصی که به زندان افتاده بود مرتباً از پنجره زندان به پرنده‌ها خورده‌ها میداد. یک روز زندان با ناز او پرسید، چرا اینکار را میکنی؟ زندانی در جواب گفت: اینها محتاج کمک هستند چون چیزی برای خوردن ندارند و بدترا اینکه نمیتوانند متحد شوند و مبارزه کنند.

همراهی ظلم و خشم

● کسی که از دیدن ظلم به خشم نیاید نمیتواند طرفدار نظام عدل و برابری باشد. آن کسی میتواند در علیه ظلم و ظالم بجنگد که از دیدن ظلم خشمگین شود.

حکایت قطره آب

● طلبه‌ای که در راه کسب علم پشت سر هم شکست خورده بود در اثر ناامیدی سربکوه گذاشت و به غاری پناه برد. در آنجا زانوی غم بغل گرفته بود و دنبال جاره‌ای میگشت که صدای حک حک آب توجیش را جلب کرد. پس از کمی جستجو متوجه شد که از سقف غار آب قطره قطره روی سنگ میچکد بطوریکه بعد از سالها چکیدن آب، در سنگ به آن سختی کودی ایجاد شده بود. پیش خود فکر کرد وقتی که قطره آب به این لطیفی میتواند در سنگ به آن سختی اثر بگذارد پس انسان با این همه قدرت چه حق دارد که در مقابل مشکلات ناامید شود. با این نتیجه‌گیری از کوه سرازیر شد و با اراده قوی به تحصیل پرداخت و پس از مدتی در ردیف دانشمندان مهم زمان خود قرار گرفت.

موقع انقلاب

● انقلاب موقعی صورت میگیرد که مردم خود را درین بست بینند.





ما که اطفال این دیستانیم  
 همه را خاک پاک ایرانیم  
 همه ما هم برادر وطنیم  
 مهربان همجو هم با جانییم  
 ○○○○○○○○  
 وطن ما به خای مادر ما است  
 ما گروه وطن پرستانیم  
 نکردا ریم کز طفولیت  
 درس حنای وطن همی خوانیم  
 چون که حب وطن را ایمان است  
 ما یقینا ز اهل ایمانیم  
 کورسید دشمنی برای وطن  
 ما نخستین حریف میدانیم  
 در ره عزت و بقای وطن  
 جان و دل را یگان می افشانیم



○○○○○○○○○  
 وطن از رنجبر و کارگران آباد است  
 نه اشخاص توانگر نه ز اشرف و کبار  
 ○○○○○○○○  
 البته هم اسیری وهم برده ای ز آنکه  
 ایمان بد انقلاب نیاورده ای هنوز  
 ○○○○○○○○  
 منتظر از هکس بپرر هائی نسیم  
 ناحی ما با زوان بردبار ما بود



## چند شعر کوتاه

ایران را بن بهلوان غلطید  
 تا بر پای خیزد باز  
 ایران من شکست  
 ایران من شکست ،  
 ایران من کوبید بر دیوار  
 تا آزاد کردد باز

گرتود و روزی ندهی تن به کار  
 بکسره تا بود شود روزگار  
 باعث آبادی عالم توئی  
 رنجبر یعنی عالم توئی

بر خیز و بین ز خانه تو  
 بیداد چگونه مضمحل شد  
 این مملکت اسیردیروز  
 امروز بسین چگونه مستقل شد



زور سی شکست  
 لک اس نبرد را کدر ما نه  
 مغرب سوخته و محکوم  
 چون بود متحده تشکیلات  
 با گذاردند روی هر موهوم  
 با ز هم آنجا نکه در خوراوت  
 قدرت خویش را کند معلوم



اعلان زوال سیموزر خواهم داد  
 دولت همه را به رنجبر خواهم داد  
 با افسر شاه را نگون خواهم کرد  
 با دره این عقیده سرخواهم داد

## وقتی که کارها می خوابد...

گزارشی از معدن مس سرچشمه

وقتی آدم انبارهای وسایل اسقاط را میبیند دلش برای بیت المال که خیف و میل شده است آتش میگیرد. در یک قسمت دهها هزار کیسه سیمان زیر باران و آفتاب فاسد شده و از بیس رفته است و یا هزاران تن آهن و وسایل پیش ساخته زیر باران و باران رها شده. صدها وسیله و ماشین آلات سنگین که صدها میلیون تومان خرج آنها شده است در داخل محوطه زیر باران هم آتش بیخ و مبره، سیم جوش و قطعات مختلف ماشینها ریخته است.

خودش را تا مین کند، مثلا به جای اینکه افراد ایرانی را آموزش بدهند هزار هزار خارجی به عنوان متخصص و مدیر و غیره به ایران وارد میشوند. در جایی که بهترین و فنی ترین کارگر ایرانی حقوقش از سه هزار تومان بیشتر نمیشد، فلان متخصص معمولی خارجی حداقل حقوقی که میگرفت از ۳۰۰۰۰ هزار تومان پائین تر نمیا آمد. اولی در زیر جاد رودریسا- بان زندگی میکرد و برای خارجی ویلای کوهستانی نایت کلاب، بارو هتل و حتی عشرتکده درست میکردند. به علت متوقف ماندن تولید در حال حاضر یک روحیه بی تفاوتی و بی مسئولیتی در کارگران و کارکنان بوجود آمده بعضی ها اصلا فکر نمیکنند که دیگر با این انقلاب اوضاع عوض شده و بیشتر با بد از خیف و میل این اموال که متعلق به همه مردم است جلوگیری کرد و در حفظ آن کوشید.



این منظره ای است که موقع ورود به معدن مس سرچشمه نظر را جلب میکند.

مجمع مس سرچشمه در منطقه کرمان و نزدیک رفسنجان قرار گرفته است که این منطقه استعداد زیادی برای آبادانی دارد. این مجتمع در واقع شامل معادن وسیع مس، پالایشگاه، چندین کارخانه وابسته، شهرسازی خاتون آباد، نیروگاه تولیدکننده برق، شبکه آبرسانی منطقه و قسمت حمل و نقل و ترخیص کالا. در سندر عباس میباشند که در حال حاضر فقط بیش از سه هزار کارگر در خدمت بخشهای مختلف آن هستند. در زمان رژیم طاغوت قرارداد این پروژه عظیم طبق معمول با خارجیان بسته شد و غارتگران خارجی علاوه بر مشارکت در سرمایه گذاری تعداد زیادی کارگر، متخصص و مهندس خارجی با حقوقهای سرسام آور روانه ایران کردند.

در جریان انقلاب شرکتها و سرمایه گذاران خارجی که اوضاع را ناچوردیدند، یکی یکی افراد و متخصص خود را برداشته و فرار کردند ولی بدلیل دشمنی شان با انقلاب ما که در درجه اول به آنها ضربه میزد، حتی به هنگام فرار هم دست از توطئه برنداشته و با خرابکاری در قسمتها، مثلا اتصال سیستم برق و یا خراب کردن ماشین آلات و غیره کوشیدند تا شاید اینگونه خسارتها بتوانند یک جوری به انقلاب اسلامی ما لطمه بزنند.

به این ترتیب کار راه اندازی و بهره برداری از این تاسیسات عظیم که میلیاردها ریال هزینه صرف آن شده و بعهده همان شرکتهای خارجی بود به امان خدا رها شد. خب این خیلی طبیعی بود چون رژیم طاغوت تلاش میکرد از هر طریق که شده منافع اربابان

## شرح حال



شرح حال شهید اسمعیل عباس زاده عینا "همانطور که به دستمان رسیده است چاپ میشود.  
"افرادی بود که رگزاده، از اول زندگی با رنج و مشقت بزرگ شد و به تحصیل پرداخت، تا کلاس اول متوسطه درس خواند، به علت نارسایی زندگی تشریح تحصیل کرده و در کارخانه جیت سازی به شهر مشغول به کار شد، چند سالی کار کرد تا اینکه به خدمت اعزام شد، بعد از خدمت وظیفه، دوباره در کارخانه جیت سازی مشغول به کار شد."



## گرامی باد خاطره کارگران شهید

"همیشه شایسته کار می کرد و به تحصیل خود ادامه داد تا اینکه سوم متوسطه را گرفت از کارخانه بیرون آمد و در آموزش و پرورش به شهر مشغول به کار شد و آنجا هم ادامه تحصیل داد و کلاس پنجم متوسطه را گرفت، فعالیت او در انقلاب بسیار زیاد بود و از سال ۱۳۵۰ مخفیانه فعالیت داشت، در انقلاب اخیر برای ارتقاء جوانان و تکثیر علامه های امام خمینی کوشا بود، دوباره توسط افسر ضابطه اطلاعات و ما مورستی در شهر دستگیر شد، با او کمی گفتگویی زدند و از او تعهد گرفتند که دست از فعالیت خود بردارد، ولی کوشش های حرفه ای سمدا داد، با ردوم که دستگیر شد در شهر با نی به شریه دستوراً افسر ضابطه اطلاعات به نام مستوان یکم اکتبر و روحیان و ستوان یکم زاندا رزمی بنا می زدند او را سخت کردند و از پشت با کابل برق از میچها تا کردن بقدری زدند که بدن او ساه شده بود و یک ماه در خانه بستری و تحت درمان بود، تا موقع شهید شدن آثار شکنجه و ساه های بدن او باقی بود."

یک دریم، بعد از خوب شدن دوباره سازه، خود را ادامه داد تا اینکه در تاریخ ۱۶ دیماه سال ۵۷ در یکی از بخشهای بندرگزینام "گز" موقع درگیری با افراد زاندا رزمی در مجلس یا بوده که به مناسبت سوم محاهد شهید و سازه را برای اسدی عرب با تعداد دیگری از مبارزان به درجه شهادت رسانیدند.  
از او و فرزند خردسال، یک پسر و یک دختر با ما مانده است."

یادش را همیشه گرامی می داریم



## زنان زحمتکش و انقلاب

خانه میساختند و تا آنجا که برای شان امکان داشت در پاسداری از آلونکهایشان در مقابل حملات ما موران رژیم طاغوت، کوشش میکردند.

### دروجریان انقلاب

دروجریان انقلاب اسلامی کشورمان نیز زنان نقش بسیاری داشتند. اگر در شروع نهضت جای زنان به خصوص زنان زحمتکش، زنان کارگر را خالصی میبینیم، لیکن در چند ماه اخیر این کمیودکا ملا از میان رفته بود. به هنگام تعطیل و اعتصابات عمومی کارخانجات نیز به این امر گردن نهاده و زنان و مردان کارگر با دل و جان دست به اعتصاب زدند تا به سهم خود به ادا مه نهضت کمک نمایند. زنان کارگر همچنین در راهپیمایی های بزرگ شرکت میکردند. زنان واقعا با دگر گرفته بودند که به جای گریه و زاری دراز دست دادن فرزندشان به یکدیگر تشریح بگویند و فردا با روحیه محکمتری به مبارزه ادامه دهند. با دمان نمبر و دتظا هرات ۱۷ شهریور که در صف جلو آن زنان قرار داشتند که مورد حمله وحشیانه ارتش طاغوت قرار گرفتند و شهید شدند. در این دوران بسیار بودند زنان کارگری که افسوس می خوردند که چرا زودتر از این چهره کشیف شاه خائن را نشناخته بودند، تا با او به مبارزه بلند شوند.

### بعد از انقلاب

بعد از انقلاب با سه راه افتادن مجدد کارخانجات و واحدهای تولیدی، زنان کارگر در بالا بردن تولید بخاطر رشد و تحکیم اقتصاد ملی کشورمان فعالانه شرکت کردند. همچنین از آنجا شبکه امکان ایجاد تشکیلات واقعی کارگری بوجود آمده بود. در بعضی از واحدها، زنان فعالانه شرکت کردند، مثلاً در کارخانه ریسی هنگام بیرون کردن عوامیل طاغوت کارخانها زنان فعالانه شرکت کردند و تا حدودی

در اینجا میخواهم به مسئله نقش زنان کارگر در چند سال اخیر نگاه کوتاهی بکنیم و ببینیم که چه تغییراتی کرده است؟

در زمان طاغوت بخصوص در ۱۵ سال اخیر زنان زحمتکش هر چه بیشتر به کارخانجات و کارگاهها راه یافتند و سرمایه داران وابسته نیز تا آنجا که امکان داشت، دستمزدهای بسیار کم به آنان میدادند. دستمزد زنان و دختران نصف و یا کمتر از نصف دستمزد مردان بود. بهر حال زنان کارگر که وظیفه رسیدگی به کارهای خانه و نگهداری را نیز بر عهده دارند، بقیه وقتشان نیز گرفته شده بود و بنا بر این خیلی کم فرصت پیدا میکردند که به کارهای دیگر سرسپردارند. مثلاً به کلاسهای شبانه بیرون و یا در ساعات فراغت لیبتهای اجتماعی شرکت کنند.

بی سواد بودن و یا کم سواد بودن اکثریت زنان کارگر نیز از جمله ضعفهایی بود که خود را عت با ثبات بودن آگاهی سیاسی و اجتماعی آنان میگفت. اما با همه این احوال در زمان طاغوت و قبل از انقلاب، بارها زنان کارگر به همراه برادران مسافرت در کارخانجات و کارگاهها با اعتصاب کردند. درست است که این اعتصابات غالباً با خواستههای صنفی و رفاهی همراه بود، ولی خود در به حرکت درآوردن زنان کارگر نقش مهمی داشت همچنین در سطح زنان زحمتکش ما شاهد مبارزات وسیع آنان در هنگام خانه سازی در خارج از محدوده بودیم. کم نیستند مثالهایی که نشان استنادگی و مقاومت زنان زحمتکش در برابر زاندارمها و ما موران شهرداری رژیم طاغوت بود. از جمله در محله زورآباد کرج میتوان از هنگامی یاد کرد که زن زحمتکشی خود و فرزندش در جلوی بولسدرز شهرداری خوابیدند و گفتند با بداول از روی صارد شوی و بعد سوار خانها را خراب کنی. و بسیار با خجی آنها دو خان آنها دکه زنان با مردان شبانه





مربوط به کارخانه شرکت کنند. خودآمادگی بیشتری پیدا میکنند و یادگیرند که فعال باشند.

۲- کمبودهای فرهنگی، ازسوادگیری گرفته تا ندانم کاری های بسیار زیاد داشتن ارتباط صحیح با برادران کارگری یعنی اینکه هرگاه لازم باشد آنها بتوانند صحبت کنند و روی حرف آنها اظهار نظر کنند. زیرا چه سازه زن کارگر را حل بهتری را بداند ولی نوعی ترس و وا همه بیجا مانع از طرح آن راه حل شود. همچنین زنان کارگر برای سوادآموزی باید از تشکیلات خودخواهند که برای نشان کلاس بگذارند در ضمن سندیکا و یا شورای واقعی کارگری میتوانند در مرحله های بعدی کلاسهای آموزش مسایل سیاسی-صنعی برای همه کارگران بگذارند و در این کلاسها کارگران را با مسایل و مشکلات کارگری آشنا سازند و آنها را در جریان مسائل مملکتی قرار دهند.

نداشتن وقت کافی، زنان کارگر باید فرصت یادگرفتن و شرکت در مسائل اجتماعی را داشته باشند. یعنی باید بتوانند هم بجهت داری و هم خانه داری بکنند و هم در کارخانه کار کنند و هم در کلاسها شرکت کنند. پس خواست همه کارگران برای کم کردن ساعت کار در هفته تا ۴۰ ساعت و تعطیل نمودن روزهای پنجشنبه یک خواست اصولی است. تعطیلی پنجشنبه برای همه کارگران زن و مخصوصاً برای زنان کارگر بسیار مفید است. آنها فراغت پیدا میکنند که علاوه بر رسیدگی به کارهای خانه، به دیگر مسایل زندگی خود بخصوص مسایل سیاسی و اجتماعی نیز رسیدگی کنند و بطور دائم به آگاهی خود اضافه کنند.

در پاکسازی این محیط موفق شده اند. کارگران زن این کارخانه در راه پیمائی های بعد از انقلاب نیز شرکت کردند. در راه پیمائی اول ماه مه - روز جهانی کارگر که از طرف حزب جمهوری اسلامی دعوت شده بود شرکت کردند. در راه پیمائی به مناسبت روز زن نیز تعداد نسبتاً قابل ملاحظه ای شرکت نمودند.

### مشکلات و راه حل

با توجه به مثالهای فوق، با وجود اینکه ما تغییراتی را در حرکت اجتماعی زنان زحمتکش میبینیم، لیکن بخوبی میتوانیم بگوئیم که دارای کمبودهای بسیار زیادی است. چرا این چنین است؟ این مربوط میشود به رژیم طاغوت و ضعفهای زیادی که در اسلحه این رژیم در زندگی



زحمتکشان بوجود آورده است. اما هم اکنون چگونه به حل این مشکلات بپردازیم؟ چگونه میتوانیم زنان زحمتکش را در حفظ دستاوردهای انقلاب اسلامی و پیشبرد اهداف عالی آن شرکت دهیم؟ چگونه میتوانیم از کمک و یاری آنان در ساختن ایرانی آباد آزاد و زلسلته هر کشور بیگانه و تامین رفاه، بیشترین استفاده را بکنیم؟  
میتوانیم کمبودها و نقائص را در چند مسئله خلاصه کنیم:

۱- نبودن تشکیلات واقعی کارگری که هم مدافع حقوق حقه کارگران باشد و هم بتواند آنها را بخصوص کارگران زن را در تمامی کارها شرکت دهد. چون وقتی زنان در محل و فصل مسائل کارگری و امور



## نوشتن قانون کار حق مسلم ما است.

### دوستان عزیز کارگر

اطاقهای در بسته نوشته شود. نوشتن قانون کار حق مسلم ما است و این پرسشها هم کمک میکنند تا برای آن آماده شویم. از قول من به کلیه خواهشگران و برادران کارگری گوشید روی این سوالها خوب فکر کنند و لااقل برای خودشان جواب پیدا کنند:



برای اینکه مثل سابق قانون کار در یک چنین اتاقهای در بسته ای نوشته نشود، پیگیری تک تک کارگران احتساب نابذیر است

برای شرکت فعال در تدوین قانون کار قانون کار موجود را مطالعه کنید، آنرا در جلسات سندیکا یا شورائی خود به بحث بگذارید و نظرات و پیشنهادات خود را برای ما بفرستید.

با اعتقاد بر اینکه کارگران ایران قانون کاری میخواهند که خود در تدوین آن شرکت داشته باشند و با اعتقاد بر اینکه این قانون باید پاسخگوی انقلاب عظیمی باشد که ستون اصلی آنرا کارگران تشکیل دادند هیئت موسس کنفدراسیون کارگران ایران شرکت فعال در تدوین قانون کار را در دستور کار خویش قرار داده است.

هیئت موسس کنفدراسیون کارگران ایران تشکیلاتی است که بوسیله کارگران موجود آمده و متعلق به آنان میباشد و آنجا که تاکنون تعداد قابل ملاحظه ای از واحدهای کارگری را تحت پوشش خود قرار داده است حق مسلم خویش میدانند در امور حیاتی کارگران شرکت داشته باشند لذا با امید به اینکه بتواند نقش مؤثری در تدوین قانون کار جدید ایفا نماید از تمام برادران و خواهشگران کارگروما بر دوستان صاحب نظر که امر خدمت به کارگران را وظیفه خویش می شمارند درخواست می نماید در تهیه طرحی که مبین منافع کارگران ایران باشد ما را یاری دهند.

بنابراین از دوستان کارگر تقاضا داریم بر اریحمت و تبادل نظریا یکدیگر با حوصله و دقت حواسها را باسخ گفته به انمام ما بر پیشنها ذات احتمالی به آدرس هیئت موسس کنفدراسیون کارگران ایران که در پشت محله میباشد ارسال دارند.

قبل از چاپ پرسشها متن آن را با چند کارگر در میان گذاشتیم. یکی از کارگران ضمن پیشنهاد اقا فیه کردن چند سوال گفت:

"امروز وقت آن است از خودمان بپرسیم واقعا چقدر از وضع و حقوقمان خسر داریم؟ باید معلوماتمان را زیاد کنیم و نگذاریم مثل سابق قانون در

## قانون کار جدید باید با شرکت فعال کارگران تدوین شود

# هدف ما تمام کارگران است

مسزادنی از آبادان

صحبت بودیم که ما حکما را مدو با دخالتش مانع کار ما شد، دفتر صورت جلسه را از دست ما گرفت و قصد پاره کردن آنرا داشته و میگفت شما باید اول گزارشات شما را بنشانان را نشان دهید، ما میگفتیم دفتر را اول کنید تا با شما صحبت کنیم، اما او حاضر با ما نبود تا اینکه بنقیبه دوستانش که آنها هم ما حکما را بودند آمدند و بجا نبداری را و ما حمله کردند، ما که می دانستیم اینها همه اش به ما است و آنها خیال دارند با این کارها در واقع مانع بوجود آمدن سندیکای کارگران بشوند همچنان به توضیحات خود ادامه می دادیم، بعد از قریب سه ربع ساعت سروصدا و شلوغی جمعیت آنها از دست ما ناکی و بی نهایت میزدند که شما در کارها اخلال میکنید و ما بندی کمینه بروید ما هم از آنجا شکه بکار و هدفمان انمان داشتیم و میخواستیم نشان دهیم که این تهدیدهای آنها نمی ترسیم با آنها یکمینه رفتیم، در کمینه مرکزی آبادان ناکی یعنی ما حکما رو سفیه که همراه او بودند دور از چشم ما سگی را مشولین کمینه مرا حقه و ما را اخلالگر معرفی کرده بودند، سر خورد مشول کمینه ما از همین پیشداوریها ناشی میشد که ما به آن اعتراض کردیم ولی توجه نکردند، حتی مشول کمینه دعوتنا به ها، صورت جلسه، محله کارگران ایران و جزوه "یک سند تاریخی" را که با صطلاح مطالعه کرده بود، تمام میگفت شما برای نسیم خاکسار تبلیغ میکنید و در جلسه ها بیتنا و شرکت کرده و برای بتان صحبت میکنید، ما این تهمتها را شدت رد کردیم، اما او میگفت که شما دروغ میگوئید، ما تا شدید که کنفدراسیون را جانب وزارت کار را با نشان دادیم ما او با سی اعتنائی آنرا بکنار گذاشت، ما حکما رو همراهانش نیز داد شما تهمتها دیگری میزدند، در میان آنها ما حکما ری بود که بسیار مؤمن به اسلام و مترقی بود که بنظر ما نه قضاوت میکرد و وقتش بحرفهای ما گوش داد ما حق داد و گفت، اگر واقعا هدفستان خدمت بکارگران است بسیار خوب است و انشا الله موفق باشید، اما ما حکما را ناکی و بنقیبه دوستانش ورق بزنید

دوستان عزیز هیئت دبیران کنفدراسیون کارگران ایران، خسته نباشید، ما هیئت مؤسسن سندیکای در شرف تأسیس کارگران جوشکار، آهنگر و درو بنجره ساز آبادان از طرف دوستان وفادار سندیکای خودمان بشما که در راه احقاق حقوق با ما مال شده کارگران زحمتکش ایران توسط سرمایه داران خود خواه و سنبل، ارزندگی ما به میگذاردید، صمیمانه و مخلصانه درود میفرستیم.

قبلا با داور میخواستیم که ما بخاطر فعالیت در بین کارگاههای متعدد جوشکار ری و سایر بخشهای فلزکاری برآکنده در سطح شهر با اشکال روبرو هستیم، ما هیئت مؤسسن سندیکای بخاطر تشکل کارگران آهنگر جوشکار و درو بنجره ساز سندیکای واقعی خودنا به امروز (۵۸/۷/۲۰) نزدیک جها را ما است که اقدام به بخش دعوتنا به ها می در میان آنها نموده ایم تا بخاطر بحث و تبادل نظر جهت تشکیل سندیکای واقعی خود در گرد هم آئیها شبکه جمعه ها برگزار میشود شرکت و ما را در این امر مهم و حیاتی یاری نمایند، در این مدت کم و بیش آمدند و مشکلات و نظرات زیبا دی مطرح شد در ضمن صورت جلسه ها می تهیه کرده بودیم که از نظرا داره کارها را شکالاتی داشته نا جا ر به تهیه صورت جلسه جدیدی بدون اشکال شدیم، از آنجا که تمام کارگران (۷۵ نفر) یکجا با هم در جلسات شرکت نمی کردند و ما هم میخواستیم هر چه زودتر صورت جلسه جدید را تهیه کنیم و با داره کارها را جمع کنیم تا آنرا تأیید نماید لذا تصمیم گرفتیم که بکارگاهها برویم و صورت جلسه را تکمیل کنیم.

صبح روز پنجشنبه ۵۸/۷/۱۲ به همین منظور با تعدادی دعوتنا به، محله کارگران ایران و جزوه "یک سند تاریخی" کنفدراسیون بکارگاهها رفتیم، بعد از توضیحات لازم و دادن دعوتنا به آنها صورت جلسه ای که تهیه کرده بودیم امضا می کردند، به همین ترتیب پیش میرفتیم و گاهی هم بر خوردها می شدیدی بعضی از ما حکما را نداشتیم، ساعت ده و ربع بود و از ۲۵ نفر از کارگران کارگاهها مختلف امضا گرفته بودیم که بکارگاه دیگری رسیدیم، با کارگران آن مشغول

میباشد ، حدود ۳۵۰ کارگر در معدن کار می‌کنند که اغلب محلی بوده و جدیداً " تعدادی از اطراف شهر زلزله‌زده طبرستان ناحیه کوچ کرده اند . کارگران این معدن چون در معادن اطراف (مس ، ذغال ، سرب و غیره) کار کرده‌اند از تخصص بسیار خوبی برخوردارند .

۳۵۰ کارگر این معدن تعدادی در امر خانه - سازی برای کارگران اشتغال دارند ، تعدادی در امور کارخانه و اکثریت آنها حدود ۲۰۰ نفر در تونل زیرزمینی معدن در شرایط طاقت فرسا کار می‌کنند .

در ۱۷۰ متری عمق زمین درحالیکه آب از سقف می‌ریزد ، جکش برفی کارگران با آن هوای کشنده اکثر کارگران را مریض و به سل و سلکوزم و سایر امراض مبتلا نموده است ، البته شرکت یک دکتر فیلسینسی به آنجا آورده که حقوقش را از وزارت بهداشتی دریافت می‌کند که سه کارگران زبان او را می‌فهمند و نه او زبان کارگران را حقوق ۳ استادکار معدن که پسر - مزدی است بنام جها سخن فاطمی با نزدیک به ۳۰ سال سابقه کار در معادن و تخصص خیلی بالایی ازای ۸ ساعت کار ۱۴۵ تومان است حال تو حدیث مفصل بخوان ...

کارگرانی با حقوق ۲۱ تومان در معدن کار می‌کنند و کارگران قسمت کوه‌کسی که مشکلترین و طاقت فرساترین کار معدن را انجام می‌دهند روزانه ۴۰ تا ۵۰ تومان مزد دریافت می‌دارند البته کارگران نازکیها حقوقشان اضافه شده اما آنقدر نیست که حتی تکافوی نیازهای اولیه زندگیشان را بنماید ، کارفرما مرتب مسکنی که در بیابان به آنها داده به رخشان می‌کشد انگار کارگران باید زیرآفتاب در کویر زندگی کنند . تعداد کارگران با خانواده‌شان در این ناحیه ۲۰۰۰ نفر است که در ۳۰۰ خانه مسکونی زندگی می‌کنند . شرکت تعاونی که ارزاق عمومی را در اختیار آنها قرار دهد وجود ندارد و اغلب کارگران باید با نیازمندی‌های خود را از شهر بپوشانند تا مین کنند یا با قیمت چند برابر در منطقه .

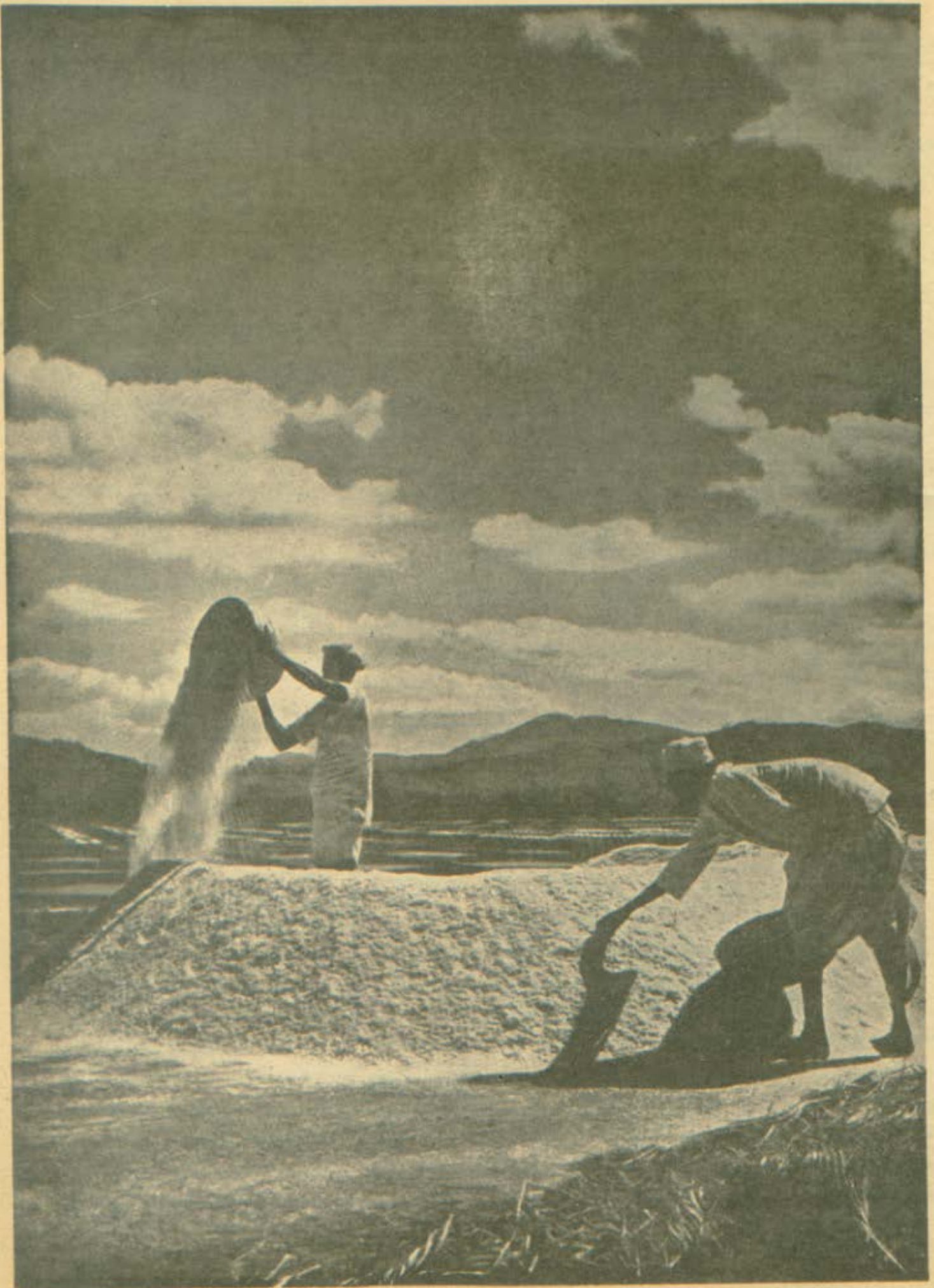
کماکان حاضر قبول حرفهای منطقی ما نبودند و سعی داشتند ما را محکوم کنند ، این ما حکما ربا برخ کشیدن شروتن برای اینکه بخیال خودنا بت کند که گویا ما اهل کار کردن نیستیم ادعا میکرد " اگر شما راست میگوئید و کارکن هستید من حاضرم برای شما کارگاه بزرگی با زکتم تا برای خودتان کارکنید ما هم بخوبی جواش را دادیم که این پیشنهادها شما مشکلات و درد تمام کارگران را دوا نمیکند ، هدف ما تمام کارگران است نه شخص خودمان . اما او میگفت شما چرا بیدارید ؟ ما داریم ، بهر حال بعد از مدتی آن ما حکما رمدی که نمونه یک مسلمان واقعی بود و حرفهای ما را قبول کرده بود با بقیه ما حکما رها و بخصوص شاکی صحبت کرد و از آنها خواست تا دست از شکایت بردارند که آنها هم بناچار قبول کردند و رفتند . محله‌ها و سایر نشریات ما را با طاق دیگری بردند تا مطالعه و بررسی کنند ، بعد از نیم ساعت معمم جوانی کلیده نشریات و مدارک ما را با خود آورد و ما پس از دیدن تأشیدیه وزارت کار گفت : بسیار خوبست ، شما میتوانی بروید و انشا الله موفق باشید ، بعد از دو ساعت و نیم که از کمیته بیرون آمدیم ، سراغ بقیه کارگاه‌ها رفتیم و بکار خود ادامه دادیم .



## ● کار در ۱۷۰ متری زیر زمین

### گزارشی از معدن مس قلعه‌زری

در ۷۷ کیلومتری جنوب بیرجند در تپه ما هورهای کویر معدن مس قلعه‌زری واقع شده است سرمایه - داران ژاپنی از سال ۱۳۴۸ در این منطقه اقدام به اکتشاف و کندن تونل نموده‌اند پس از تهیه مقدمات و ساختن چند ساختمان در اوایل سال ۱۳۵۴ معدن شروع به بهره‌برداری نموده است ، سرمایه‌گذاران ایرانی این معدن بزرگ آقای فریدون زاهدی سرمایه‌گذار بزرگ معادن لوت و ... میباشد و همچنین خانواده‌های وابسته با ایشان و همچنین خانواده‌های آل‌بویه ، رزاق‌منش و سهرابی انارکی . این معدن از غنی‌ترین معادن زیرزمینی ایران میباشد که سنگ معدن آنها دارای ۶۷ درصد مس



# قصه زیور خانم

شب تاری بود چشم چشم را  
 نمیدید، به جز سیاهی شب هیچ  
 چیز دیگری نبود، نیمه های شب  
 بود. شهر شیراز داشت از جنب و  
 جوش می افتاد ولی در کپرها و  
 زاغه های دباغی شیراز مدتها بود  
 که مردم خوابشان برده بود چرا که  
 آنها کارگر بودند و میباید صبح زود  
 سرکار بروند ولی در زاغه زیور خانم  
 چراغی سوومیزد گویا هنوز بیدار  
 بودند. آخر زیور خانم بعد از  
 اینکه شوهرش را از دست داده بود  
 دیگر نه خودش آرام و قرار داشت و  
 نه سه تا بچه اش. همیشه میگفت حالا  
 خودم به جهنم نمیدونم با این  
 سه تا بچه معصوم چه کنم مخصوصا  
 حسین که الان ده ساله و چیزی هم  
 سرش میشه از مرگ پدرش خیلی  
 ناراحت و مثل بچه های دیگه  
 نمیتونم گولش بزنم.

راست میگفت واقعا برای زیور  
 خانم دردناک بود. زیور برای  
 اینکه بتواند زندگی بچه هايش را  
 بچرخاند درخت شوئی و هر کار  
 شرافتمندانهای را که پیدا میشد  
 برای نان بچه هايش میکرد. تمام  
 خانه و زندگی آنها عبارت بود از  
 یک کلبه مانده حدود ۳x۲ متر دور  
 این خانه نه حمامی داشت نه پوش  
 بهر حال آن شب، چراغ خانه  
 زیور خانم تا دیروقت سوومیزد  
 خبری شده بود حسین پسر ده ساله  
 زیور بیقراری میکرد. گویا روز  
 پیش وقتی که با چندتا از پسرهای  
 شهری بر خورد کرده بود به گوشش  
 خورده بود که آنها ما درهاشان وقتی

که میخواهند بخوابند برایشان  
 قصه میگویند. از شاه پریون از  
 اکوان دیو و زقشرشته های آسمان  
 و بالاخره از همه چیز، زیور طاقت  
 نیاورد و شروع کرد آرام اشک  
 ریختن و به حسین گفت: پسر  
 من او چیزائی که گفتن نمیدونم  
 و شاید چارخیالات شدی ولی چشم  
 حالا منم برات مثل همه مادر  
 قصه میگم. اما چیزی که میگم قصه  
 و خیالات نیست واقعه. پسر  
 هیچ داستان و قصه ای مثل زندگی  
 پدر مرحومت نیست، یعنی همه ما  
 زندگیمون اینه هر کار گروهی  
 زحمتکش زندگی یک کتابسه  
 بهر حال میخوام یک قصه از  
 زندگی خودمون برات بگم. حسین  
 آرام بر روی گلیم دراز کشید و در  
 چشمهای ما درخیره شد بلبه پسر،  
 در گذشته چندان دور من و پدرت  
 توی بدها و نور کوه زندگی میکردیم  
 من پدرت را میشناختم یکی از

هم داشت. من اکبر صبح کله سحر  
 که با گل بده صبحا میرفت دیدگ کسی  
 نمیدیدش تا بعد از ظهر گاهی وقتا  
 شب هم با گل بده میخوابید. به شب  
 کدخدا و مدخونه ما و با عموم سو  
 گوش همدیگه به چیزائی گفتند و  
 کدخدا رفت. آخر من پدر و ما درم  
 سالها پیش مرده بودند و عموی پسر  
 از من نگهداری میکرد.  
 بعد فهمیدم که اکبر کدخدا را  
 به خواستگاری من فرستاده، خلاصه  
 در سرت ندیم، من و اکبر پدرت  
 توی مدت کوتاهی شدیم زن و شوهر.  
 من و پدرت توی ده روزای سدی  
 نداشتیم بانون خالی هم با  
 همدیگه دلخوش بودیم ولی پدرت  
 غروب که خانه می آمد دیگه نای  
 حرکت نداشت، حتی شام هم  
 چیزی نمیخورد همش از درد کمروپا  
 دردمینا لید. خودش میگفت  
 میخوام ارباب را ببینم و پیش  
 بگم این مزدی که به من می‌ده



کفاف زندگی منونمیکنه. آخره  
 ما هی ۳۰ تومن و ده من گندم کجای  
 من میرسه، تازه به زودی زیاد هم  
 میشیم، بچه دار هم میشیم بیچاره  
 خرجی پدر و مادر پیرش هم کردن

جونای ده بود، کارش گل بده داری  
 بود، همه احترامش را داشتند و  
 محبوب بود. من اکبر پدرت  
 چون ارباب ده بود، این ارباب  
 چندتا گل بده بزرگ در ده های دیگه

بله الان چهار سال از مرگ پدرت میگذره و زندگی خودمون اینکه که مسیخی.

با یات مردیدون اینکه بفهمه چرا مرد؟ چرا نتونست مثل اون بالا شهرها زندگی خوبی داشته باشه. اون در تمام عمرش نتونست یک لیخنه بزنه.

بهرم همه زحمتکشها همینطورن به دور و سرت نگاه کن، همه مثل خودمون، بلکه سرم دنیا همیشه اسطوره نمونه ما لآخره روزی هم دور ما میرسه. باید امیدوار بود بخواب بصرم که فردا سخوای سزی مدرسه، منم سخوام بصرم سرکار، حسن بعض گلوس را مقصد بدسرون بیت آنا دخیره بندسره دیوار خلوی محوطه خیره بندسره رحمت توانست این جمله را روی دیوار سخواند، آنجا با خط سرح و درشت نوشته شده بود:

**مرگ بر شاه**

کمک قلی به کاری تو یکی از کوره پزخونه ها پیدا کرد پدرت هر روز مجبور بود کله محریه ما عت دو ساعت بیاد راه بره تا به کوره آخر بزی برسه، کار برایش خیلی سخت بود ولی چه باید میکردیم من هم کمک با یات کارا می میکردم تا اینکه ما لآخره دیونا خواهر دیکت هم به دنیا آمدن دیکه خامون درگنار قلی نمیشد، پدرت گفت: باید به راه ما گیری برای خودمون دست و پا کنیم. نمیدونی با چه زحمت و مشقتی تو بستیم هم اینجارو درست کنیم. همین چندخت را که مسیخی منو پدرت تا نیمه های شب روی هم جندیم. منو با یات وقتی که تنها مسیخیم ار ریدگی خودمون و دور و سرمون می گفتیم با یات سعی میکردار بر سر در بره می گفت، ای با با بدسارون تقسیم کنس بنسرا را اس به ما بنسره او سخوانست ما را اینجوری قانع کنه که ما دره دور جری کشیم ولی من همه جبر و مندونستم. بلکه همین چهار سال پس بودیه شب پدرت خواستد، دیکه بندار نشد.

اکبر بود. یادم میاد بعد از تولد تو بود که اکبر دلگرم به زندگی یک روز رفته بود شهر پیش ارباب و تقاضای مزد بیشتر کرده بود و ارباب بهش بر خورده بود و بهش گفته بود از این به بعد اخراجی و یک مکتوب داده بوده که خدا گنه حیونا رو به کس دیکه واگذار کنه روزای درد ساکی برای ما بود حالا دیکه ما خودمون سویدیم. تو هم بودی. روزها و شبهای سختی به ما میگذشت. پدرت بیکار هم نبود به روزی که به دکترا از شهر آمده بود پدرت باها و کمربنده دکترا نشان داد. او پیش گفت: تو ما نسیم سعی در دهمسکی با و کتر داری و با بدسری سیر خودمون معالجه دگی و کار سخت هم گسی ما او بنسب حصری از جرنهای دکترا نفهمیدیم ما اسکندروری نلی یکی از هم و لاسی های نسلی از شهر آمده بود. و معر ندک بنده بود لا قیل بنسای سونی نس بود. وقتی فهمید که پدرت بیکار و مریضه گفت با تو بصرم شهر و مدتی هم نسوی کله قلی سویدیم با لآخره پدرت با





## نامه‌های رسیده

### یک نامه از جیت ری

کارخانه مدت ۳۲ سال است که تاسیس شده و از سابقه مبارزاتی بسیاری برخوردار می‌باشد در دوره طاغوت بعثت فشا روستم بیش از حدی که بر ما کارگران میشد همیشه اعتراضات حق طلبانه وجود داشت و کارگران زیاد را به خاطر اینکه زیر بار نمی‌رفتند اخراج می‌کردند. بعد از اینکه انقلاب به پیروزی رسید ما کارگران توانستیم چندتن از عمال کارفرما مثل خان محمدی، حسن زاده و راست رورثیس حفاظت را اخراج کنیم. عیسی کوروس - حسن کوروس و کاظم کوروس و محمود ده دشتی صاحب کارخانه هستند. به نظر بیشتر کارگران اینها با بد محاکمه انقلابی بشوند مثلا کاظم کوروس آنطور که در موردش می‌گویند جزو فرقه فرا ما سونری بوده که با بد در دادگاه انقلاب مشخص شود. بعد از انقلاب هنوز برای ما کارگران مشکلاتی وجود دارد که بیشتر این مشکلات جز خواسته‌های اولیه ما می‌باشد. بخاطر شروع کاری که ما داریم خطر برتاب ما کو وجود دارد که تا بحال باعث مجروح شدن عده‌ای از کارگران شده و با حدود یکماه بیش دست کاری لای دستگا ه رفت و سه تا از انگشتانش قطع شد. به خاطر این خطرهای احتمالی ما احتیاج به آمبولانس و شخص واردی داریم که حداقل تا رسیدن به بیمارستان کمکهای اولیه را انجام دهد. از نظر بهداشتی وضع کارخانه خیلی بد می‌باشد. به علت نداشتن غذا خوری خیلی از کارگران مجبورند غذای خود را پای دستگا ه بخورند و با در مدت بسیار کوتاهی در رخت کن. این وضع غذا خوردن به ما خیلی لطمه می‌زند. چون غذایی که می‌خوریم آلوده به کرک پنبه می‌باشد و باعث مشخص هم برای غذا خوردن نداریم. این یکی از مشکلات ما است که با بد با اجا دتا هار خوری در کارخانه حل شود. وضع آب هم دست کمی از غذا خوردن ندارد. با بد در سالن آب سردکن بگذارند.

ما کارگران به خاطر شروع کارمان زمینه مناسبی برای گرفتن سل و سیما ریه‌های ریوی داریم. به خاطر این موضوع احتیاج زیادی به شیرداریم که باید به همه ما کارگران شیر بدهند. ولی اینکار تا به حال انجام نشده است.

در قسمت دیگر نامه آمده است: اینها گوشه‌ای از مشکلات اقتصادی ما بود. از نظر سیاسی ما کارگران خواسته‌هایی داریم، انقلاب کردیم برای اینکه بتوانیم در مسایل سیاسی خودمان شرکت کنیم. ما نسبت به شورایی تفاوت نیستیم. و میخواهیم که در آن نقشی داشته باشیم. برای همین از شما توقع داریم که ما را بیشتر در جریان کار و تصمیم گیریها بگذارید، چون اختلاف نظرها و مشکلاتی که در شما هست از طریق ارتباط با کارگران خیلی بهتر حل میشود و رشد و آگاهی ما کارگران هم میتواند بالا برود.

### کارگر جیت ری

### نامه‌ای از ملایر

(از طرف صنف کارگران آهنگر - خوشکار)  
 "در زمان رژیم گذشته ما کارگران ملایر را که داخل شهر کار می‌کردیم به بیرون شهر یعنی حاده کمر بستگی منتقل کردند که ما خریدن و کرا به کردن دکان شروع به کسب و کار نمودیم تا اینکه انقلاب اسلامی ایران به رهبری امام خمینی به پیروزی رسید."  
 در قسمت دیگر نامه آمده است:

"در حال حاضر مسایل زیادی هست، مثلا بعضی افراد سودجو در داخل شهر جلوی خانه خود را بپا کرده و شروع به کار کرده اند که هم مزاحم مردم هستند و چون مشتری‌ها هم دیگر به قسمت کمر بستگی نمی‌آیند کار ما کم شده است."

اما یکی از نکته‌های مهم که برای آن در شهرداری جمع شدیم تحویل گرفتن اتحادیه توسط نماینده‌هایی



مطلب دیگری که میخواهم بگویم بی توجهی مسئولین شهرداری نسبت به وضع معیشت و برنامهاهایی است که در جهت رفاه ما کارگران بایستی به مرحله اجرا درآورند... که بدون در نظر گرفتن هزینه زوزاقزون زندگی بعضی از مزایای دریافتی من و همکارانم را گسرنموده اند و بمجرد مطرح ساختن و یا در مقام تقاضا برآمدن، غیر مستقیم ما را متهم به خدایانقلاب میکنند ولی توجه به این امرندارند که ما کارگران — ستون اصلی انقلاب ایران بوده ایم، هستیم و خواهیم بود و از نظر وظایف مهمی که در گردش جرخ اقتصاد مملکت و حفظ دستاوردهای انقلاب داریم کوچکترین لگهای بردمان یا کمات نمی بینند.

ضمنا یک درد دل هم با مسئولین بهداشت شهر خودمان داریم. چه خوب بوداگر برنامهای مرتب برای محیط کارگاهها تهیه می نمودند و هر چند مدت یک بار به کارگاهها سرکشی می نمودند و از لحاظ بهداشت طرحها شیبه کارفرما میدادند. مثلاً با نداشتن کارگاهها سلامت شهرداری رقت بار است که از گفتن آن شرم داریم. کارگران این کارگاهها توجه به گاز مارد را ز سر و گردنشان برانواع امراض مبتلا هستند و شهرداری که خود وظیفه مهمی در حفظ بهداشت عمومی برعهده دارد توجه کافی به وضع کارگران خود نداشته و از نظر بهداشتی و رفاهی به آنان نمیرسد.

انشاءالله در فرصتهای بعدی بیشتر با هم درد دل خواهیم کرد.

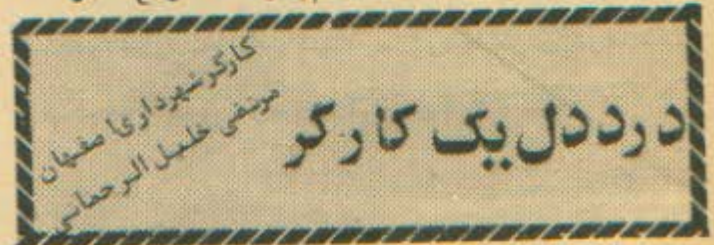


کارگران شهرداری اصفهان

بود که در شهرداری خودمان انتخاب کردیم که از این کارریش سابق اتحادیه خودداری کرد و اتحادیه را تحویل نداد و با در نظر گرفتن اینکه از ما مبلغ زیادی پول به عنوان حق صنفی و جواز گرفته اند و تمام وسایل اتحادیه مانند صندوق، تلفن و صندوق نسوز... و حتی کرایه دفتر اتحادیه را خودمان دادیم و میدهم و لسی اتحادیه را به ما تحویل نمیدهند.

"ما دوباره از فرماندار و شهردار خواهستیم که رسیدگی کنند که هنوز ترشیبی داده نشده."

"من به عنوان یکی از نماینده های آهنگران ملایر تقاضا دارم که خواسته های ما در مجله کارگران ایران چاپ شود تا کمیته ما و دولت به وضع ما برسند."



خیلی دلم میخواست وسیله ای بود که توسط آن درد دلم را برای هموطنانم بازگو کنم و حالا خیلی خوشحالم که میتوانم بوسیله مجله خودم (کارگران ایران) با هموطنانم درد دل نمایم. گرچه زیانی گویا که شایسته باشد ندارم ولی فکر میکنم با زبان ساده کارگری بهتر میتوان گفت و شنید البته باید در نظر داشت که زبان کارگرمانند قلبش ساده و بی ریاست است.

درد دل من از وضع نامساعد کار و مشکلات ناشی از آن است. مثلاً وقتی میبینم که بعضی از همکارانم پشت کار میونهای زیاله کش آویزان میشوند لریزه بر اندام میافتد و با اینکه کار را اهمیت موضوع را به اطلاع مسئولین رسانده ایم ولی متأسفانه از آنجا که گوش شنوا وجود ندارد به این مسئله مهم کوچکترین توجهی نشده است. خدای نکرده اگر اتفاقی برای بکنفر رفتن گرفتار افتاد (که تا بحال چندین مرتبه افتاده است) مسئولین امر نزد خدا و وجدان خود شرم نموده نیستند؟ این درست است که زیاله های شهر با بسد جمع آوری شود ولی جان یک انسان بسیار عزیزتر است خصوصاً اینکه کارگر باشد. چه میشود اگر کارگاههای حمل زیاله مجهز به اتاق مخصوص کارگر باشد تا از هر پیشامد ناگوار و جلوگیری شود؟

طبقه محکوم و زیر دست نیز حاضر به زندگی در وضع موجودش نیست. در اینگونه مواقع اختلافات طبقاتی بسیار شدید است و طبقات مظلوم در یک مسأله قهرآميز طبقه حاکم یا عامل اصلی محرومیت های خود را سرنگون میکنند و حکومت را بدست میگیرند.

در جوامعی که طبقات دارا و ندار یا ظالم و مظلوم زندگی میکنند، انقلاب یک امر جمعی و جدی است. انقلاب همیشه باعث رشد و شکوفاتن تولید و جامعه میشود چون نظامات کهنه و ارتجاعی را درهم شکوید و نظمی نوین برقرار میکند.

#### استعمار

-----

استعمار یعنی سر و حاصل کار دیگری را تصاحب کردن. استعمار در دوران های مختلف تاریخی شکل های گوناگون وجود داشته است. طبقات دارا با غصب ابرار و لوازم تولید از احتیاج جامعه به محصولاتی که برای ادامه زندگی انسان لازم است سوا استفاده کرده و به استعمار دیگران پرداخته اند مثلاً برده داران با تصاحب زمین، ابرار تولید و حتی انسان (برده گان) حاصل فعالیت آنها را به جنگ می آوردند. و مالکین زمین با فتودا لها دستریج و محصول دهقانان و رعایا را مال خود کرده و حالاً سرمایه داران کالاها شبکه کارگران میسازند در تملک خود دارند.

استعمار همواره یکی از علل انقلابات علیه طبقات ستمگر و حاکم بوده است.

#### استعمار

-----

معنی لغوی استعمار، عمران و آباد کردن است

## آیا میدانید که...

### چند کلمه سیاسی

#### اعتصاب

این کلمه در مقایسه با خیلی از لغات جدید است پیدایش این لغت با پیدایش نظام سرمایه داری و با ظهور کارگر و کارفرما مصادف است.

اعتصاب یک نوع عمل دفاعی است و نه حمله. برای مثال در مورد کارگران، عملی است دسته جمعی برای گرفتن حقوق و زمره و فوری. مانند دستمزد بیشتر، کم کردن ساعات کار و یا بهتر کردن شرایط عینی و از این تمایل امور.

اعتصاب میتواند هدفهای مختلفی داشته باشد. در بسیاری از کشورها کارگران توانسته اند با مسأله و اعتصاب - حق اعتصاب کردن را فاش بوسی کنند. اعتصاب بیشتر برای گرفتن حقوق صنفی، حرفه ای و اقتصادی انجام میشود. اما گاهی نیز کارگران ملاحظه سیاسی دارد. مثلاً کارگران خودمان در طی سال مبارزاتشان علیه حکومت شاه و امیرالبحرین اعتصاب سیاسی کردند. بطور کلی اعتصاب از طبقه کارگر به سایر اقشار و طبقات مردم سرایت کرده است و آغاز یک عمل صرفاً کارگری بوده است.

#### انقلاب

انقلاب در لغت به معنی دگرگونی است. انقلاب در جوامع بشری یعنی سقوط طبقات حاکم و پیدایش طبقات محروم. این عمل در شرایطی انجام میشود که طبقات حاکم سعی خواهند حکومت را از دست بدهند و



کودکی یتیم بر مزار پدر

اما استعمار در واقع عملی است که غارتگران و متجاوزین یا کشورهای امپریالیستی برای تسلط و جباول انجام میدهند. مثلاً آمریکا به سپاه آباد کردن و پیشرفت دادن ممالک عقب افتاده بر آنها مسلط میشود و سپس سفارت ثروت ملی و استثمار کارگران می بردارد. حالاً روسیه هم به حساب برقرار کردن عدالت و با اصطلاح کمک به ممالک در حال مبارزه با امپریالیسم آمریکا از در دوسنی وارد میشود تا نسبت های استعمارگران به خود را دنبال کند.

## معلومات خود را آزمون کنید

به کارگرانی که بتوانند سوالهای زیر را جواب دهند به منظور تشویق یک سری از انتشارات هیئت موسس هدیه خواهد شد. جوابهای خود را به آدرس پشت مجله بفرستید. در نامه اسم و محل کار خود را ذکر کنید.

- ۱- حداقل دستمزد برای امسال چقدر تعیین شده است؟
- ۲- مجمع عمومی چیست و برای چه تشکیل میشود؟
- ۳- آیا در یک سندیکا ی کارگری کارمندان و نماینده کارفرما مستوا نتخاب شوند؟
- ۴- اتحادیه چگونه تشکیل میشود؟
- ۵- آیا کارگران زن میتوانند در انتخابات سندیکا شرکت کنند؟
- ۶- آیا کارفرما میتواند نماینده کارگران را اخراج کند؟ چگونه؟
- ۷- اگر یک زن و شوهر هر دو در یک کارگاه کار کنند آیا حق اولاد فقط به یک نفر از آنها تعلق میگیرد یا هر دو؟ چرا؟
- ۸- آیا کارفرماها هم سندیکا درست میکنند؟
- ۹- یک کارگر بطور قانونی روزی چند ساعت باید کار کند؟

### تصحیح

در شماره قبیل در گزارش مربوط به سخن با سمان دو اشیا درج داده که ضمن عذرخواهی اصلاح میشود: ۱- در صفحه ۳۰ بجای " سودا بدار فروش در آمد عاید" از فروش و در صفحه ۳۱ بجای " شرکت شرکت آگری گیت صحیح است.

### توضیح

روی جلد شماره قبیل عکسی چاپ شده بود از مراسم نماز جمعه. لازم به توضیح است که عکاس آن آقای محمدحسین هاشمیان بوده و بوستر آن توسط انجمن تعاون هنرمردمی تهیه شده است.

### مطالب رسیده

تعدادی گزارش و مقاله از مشهد و شیراز و تبریز ورشت و آبادان رسیده است که به علت تراکم مطالب در شماره آینده چاپ خواهد شد.

# اخبار کنفدراسیون

( هیئت موسس )

## افتتاح نمایندگی شیراز

بدنبال فعالیت پیگیر همکاران شیرازی محلی برای تاسیس نمایندگی هیئت کنفدراسیون در شیراز تهیه شد و هیئتی از تهران برای افتتاح این شعبه اعزام گردید.....

این هیئت پس از تماس با کارخانجات مختلف مسئولین سندیکاها و شورا و نمایندگان کارگران برای شرکت در جلسه افتتاحیه دعوت بعمل آوردند. این جلسه در سه شنبه ۲۴ مهرماه در ساعت ۵ بعد از ظهر در محل شعبه کنفدراسیون در شیراز برگزار شد که در آن نمایندگان و کارگرانی از کارخانجات:

سم شیشه شیراز، سندیکای کارگران ساختمانی، کارخانه آرمایش، شیرپاستوریزه، صنایع شیمیایی سرسولس، کاشی حافظ، پالایشگاه شیراز، گروه تولیدی ملاس و کارخانه زمینس شرکت نمودند و پس از حرم مقدم و بحثی پیرامون نقش کارگران ایران در دوران انقلاب و وظیفه‌ای که برای دفاع از استقلال مین، مبارزه علیه امپریالیسم و ضد انقلاب و کوشش برای بالابردن تولید و رشد اقتصادی دارند توضیحات جامعی درباره هدفها، برنامه، نقش و چگونگی ایجاد کنفدراسیون داده شد و آنگاه مذاکراتی پیرامون چگونگی کار و برنامه آینده شعبه کنفدراسیون در شیراز به عمل آمد که قرار شد تا یکماه آینده با برگزاری یک مجمع عمومی که نمایندگان کلیه کارخانجات شیراز در آن شرکت داشته باشند، هیئت مسئولین شعبه شیراز انتخاب شده و طبق اساسنامه کنفدراسیون در سطح استان فارس فعالیت کنند.

در پایان جلسه سوالات و پیشنهادات و مسائلی و مشکلات کارخانجات مختلف مطرح شد که به آنها پاسخ داده شده و در مورد مشکلات کارگران کاشی سازی حافظ و فشارهایی که به اعضای سندیکا و هیئت مدیره آن وارد میشود عدم برداخت بارهای از حقوق و مزایای کارگران قرار شد که یکی از مسئولین کنفدراسیون در شیراز به نمایندگی از مراجع به کارخانه و مذاکره با

کارگران و مدیرعامل با مراجعه به اداره کار و سایر مراجع مربوطه به حل این مشکلات کمک نمایند. این جلسه در ساعت ۸ بعد از ظهر در محیطی صمیمانه و با صفا به پایان رسید.

## فعالیت اعضا در رشت

شورای کارخانجات صنایع چوب و شیرپاستوریزه رشت از اعضای فعال و خستگی ناپذیر هیئت موسس کنفدراسیون هستند و با رستگین گرداندن چرخ کارخانه برعهده آنهاست با کوشش فراوان تاکنون توانسته اند مواد اولیه و پول لازم را برای ادامه کار کارخانه‌های خود تهیه کنند.

ضمن تبریک به کارگران این کارخانه‌ها موفقیت هرچه بیشتر آنها را آرزو داریم.

## جلسه عمومی در سه استان

همکاران هیئت موسس در سه استان گیلان - مازندران و خراسان (مشهد) موفق شده اند جلسات عمومی از نمایندگان سندیکاها و شوراهای کارگری کارخانجات مختلف برگزار کنند. در این جلسات ضمن بحث در مورد ضرورت اتحاد کارگران اهداف - خط مشی و برنامه هیئت موسس کنفدراسیون تشریح شده و نمایندگان کارخانه‌ها با شور و شوق از این تشکیلات سراسری استقبال و پشتیبانی نموده اند. ضمناً در این سه استان بزودی شعبه هیئت موسس کنفدراسیون افتتاح میشود.

## فعالیت‌های فرهنگی و رفاهی

با کوشش زحمتکشان کوره‌برخانه‌ها و با کمک و پشتیبانی هیئت موسس کنفدراسیون مدرسه‌ای در محل کوره‌برخانه‌های محمودآباد شروع به کار کرده آموزش کارگران و وسایل آموزشی آن محاناً از طرف هیئت

### تلگراف کارگران سیمان نکا

ما گذشته وقتی یکی از نمایندگان کارگران کارخانه سیمان نکا به اداره کار به شهر رفت تا سه در آنجا بود که در آن نوشته شده بود ۳۵ نفر از کارگران سیمان نکا با ایداع خرج شوند. به منظور اعتراض به این تصمیم نمایندگان کارگران سیمان نکا تلگرافی جهت وزیر کار، وزیر صنایع و معادن و هیئت موسس کنگدراسیون ارسال نمودند.

توضیح اینکه نامه فوق الذکر توسط حسابداری سیمان نکا امضا شده و گفته میشود که سرپرست کارخانه از این موضوع خبر نداشته است. بهر حال کارگران سیمان نکا که از سازمانها و انجمنها و عوامل وابسته به بیگانه خسته هستند در مقابل این توطئه ایستاده و اعتراضی میکنند.

متن تلگراف به شرح زیر است:

سعدا سروری انقلاب اسلامی مبارزه سختی پس ما کارگران سیمان کرکان ما در دوران و عوامل وابسته سکا سکان محمدرضا و سردوران در گرفت که بعد از ما در انجام حناست ما با استند و حربه سیمان داد که ما کارگران به حرم صغیر کردن انقلاب اسلامی سرگیری امام خمینی و کوتاه نمودن دست عوامل شرق و غرب اروپا عزیمت ما هدف دیگری نداشته ایم.

باقراری شدن مدیران و نه زندان افتادن یکی از آنها با هم توطئه دیگری بر ضد کارگران برپا شده که در طبق نامه شماره ۳۶۷۵ رک ۵۸۶۲۷ قرار است ۳۵۰ تن از ۵۳۰ نفر را اخراج کنند بنظر ما این عمل در جهت انقلاب اسلامی نبوده و از آنجا شبکه سکاری مشکل بزرگی برای وطنمان میباشد حای تولید کار که آن مکان در محل وجود دارد برانویه سکاران افزودن نتیجه ای جز افزایش نا رضایتی و بدبینی و خدمت به ضد انقلاب و فرصت طلبان نمی باشد. ما خواهان رسیدگی سریع به این مشکل میباشیم.

اسماعیل کرامتی، علی بخکش، محمدحسین میرزاشی، رضا وزداری رئیسی

(۱) تقی نائینی (۲) ابراهیم فلاحی (۳) یوسف شادمان  
\* بعثت کمبودها، مشروح این گزارش را در شماره آینده چاپ میکنیم.

موسس تا مین شده است. امید است که این فعالیتهای فرهنگی در سایر مراحل کارگری که از این نظر کمبود دارند گسترش داده شود.

ضمناً نقشه و طرح ایجاد یک حمام عمومی با چهل دوش برای همین منطقه که از این لحاظ به شدت در مضیقه است در دست اقدام میباشد که به محض آماده شدن زمین، ساختمان آن با الهام از جهاد سازندگی بزودی آغاز خواهد شد.

### تقاضای عضویت از تبریز

سندیکای راستدگان و کمک راستدگان تبریز با ۱۲۰۰ عضو از اعلام همبستگی رسماً تقاضای عضویت در هیئت موسس کنگدراسیون را نموده اند. ضمن استقبال از این همکاران جدیداً اطلاع داده میشود که مطابق اساسنامه، این تقاضا همراه تقاضاهای دیگر در دستور کار اولین شورای عالی هیئت موسس قرار گرفته است.

### ● خبری از چاپخانه های رشت

در تاریخ ۱۷ شهریور ماه گذشته جلسه مشترکی با حضور نمایندگان چاپخانه های رشت و مسئول هیئت موسس کنگدراسیون کارگران ایران در رشت در محل خانه کار این شهر برگزار شد. در این جلسه تصمیم گرفته شد برای ایجاد سندیکای کارگران چاپخانه های رشت سه نفر بعنوان نماینده برای تدارک جلسه مشترک کارگران انتخاب شوند که این جلسه به آنها وظیفه داد:

۱- تا تاریخ ۲۵/۶/۵۸ نمایندگان کلیه چاپخانه های رشت (کابلان) دعوت بعمل آورد تا در مجمع عمومی شرکت کنند.

۲- با اداره کار و امور اجتماعی تماس حاصل کرده تا در مجمع عمومی شرکت کنند.

۳- تهیه سالن و سایر امکانات برای برگزاری مجمع

۴- تهیه اساسنامه پیشنهادی

جلسه فوق با حضور ۱۷ نفر از کارگران چاپخانه های رشت برگزار شد و آقایان زیر بعنوان نمایندگان هیئت موسس تا تعیین هیئت مدیره در مجمع عمومی انتخاب شدند:

### احقاق حقوق کارگران بندرعباس

نمایندگان ۸۰۰ نفر کارگران خارجی شرکت بران اندرویت بندرعباس بدینال چندماه پشتکار و فعالیت برای کسب مزایای پرداخت نشده که عبارت از حق مسکن، حق اولاد و حق خواربار بود سرانجام با همکاری دبیران شایعات موفق بگرفتن این حقوق شدند.

#### حقوق را نندگان با فکار

در جلسه‌ای که بمنظور رسیدگی به خواسته‌های را نندگان شرکت با فکار در اداره کار برگزار شد مقرر گردید پس از ارائه گزارش بازرسان کار از کارگاه، کارفرما تمام مفاد قانون کار را که حق مسلم این کارگران میباشد در مورد آنها به اجرا درآورد. خواسته‌های کارگران به این شرح بود:

اجرای هشت ساعت کار در روز - اجرای حداقل دستمزد مصوبه وزارت کار - پرداخت حق مسکن، حق خواربار و حق اولاد از مهرماه پنجاه و هفت.

#### تجدید انتصابات و ندادن اتحادیه در اصفهان

در آخرین روزهای ماه گذشته خبر رسید که سندیکای را نندگان و کارگران فنی شهرداری اصفهان مجمع عمومی برگزار کرده و با تعیین هیئت مدیره جدید همکاران ما در این شهر تشکیل یک اتحادیه از سندیکاهای شهرداری اصفهان را تدارک میسینند. ضمناً از شهرداری اصفهان نامه‌ای رسیده که در همین شماره چاپ شده است.

#### یک خبر از تبریز

در آخرین ساعات چاپ مجله گزارش مشروحی از سندیکای را نندگان و کمک را نندگان تبریز بدستمان رسید، که بعینت نبودن جا شرح مفصل آنرا در شماره آینده خواهیم آورد.

در این گزارش آمده است که سندیکا موفق شده ۹۰ دستگاه کامیون را در اختیار بگیرد و در یک جلسه عمومی بین اعضاء سندیکا تقسیم کند. ضمناً اعضاء سندیکا خواهان برخورداری از مزایای بیمه شدند

کسب از جانب مقامات مسئول عنوان شده، چون شغل نیستند نمیتوانند بیمه شوید و سندیکا توضیح داده است خود را "حق بیمه اعضاء را خواهد پرداخت، تا بتوانند از مزایای حق بیمه استفاده کنند.

#### بقیه وقتی که

کارگری از همین مجتمع عقیده داشت که دلیل این وضعیت عدم برنامهریزی و مدیریت درست در این مجتمع است. الان هزاران کارگر بدون اینکه بدانند چکار باید بکنند بلا تکلیف میایند و میروند، از طرف دیگر گویا عده‌ای از مسئولین میگویند بایستی محددات تعدادی متخصص خارجی و کارگر خارجی استخدام کنیم چون ما خودمان کار در متخصص فنی نداریم. خوب این هم یک مقدار در روحیه کارگران تاثیر میگذارد در حالیکه اگر بجای آن همه حقوقهای کلان و مزایای بیشمار که برای خارجی‌ها صرف میشد اگر نصف آنرا در جهت رفاه کارگران و متخصصین ایرانی صرف کنند چه بسا دیگر اینگونه محتاج خارجی‌ها نباشیم و در واقع با دادن مسئولیت بیشتر به همین کارگران در آنها این احساس را زنده کنیم که بایست در قبضه مملکت مسئول بود و با شور بیشتری کار کرد.

بهر حال بهره‌برداری از این طرح و راه انداختن آن هزاران کارگر و متخصص میشوند نندبه کار مسئول شوند و کلی از مشکلات بیکاری مملکت کاسته شود. از این گذشته در دل این کویر فرا موش شده در گذشته، آبادانی، رشد اقتصادی و خلاصه حرکت و فعالیت بوجود آورد. در غیاب این صورت اگر با زهم این پروژه عظیم به امان خدا راه شود، گذشته از صدمات و خسارتهای مالی از این نظر که روحیه انقلابی و شور و شوق سازندگی و کاربرد راه آبادانی مملکت در کارگران و اهالی منطقه پائین آمده و بجای ایجاد احساس مسئولیت در آنها دل سردی را موجب میشود که این شاید ضررش خیلی بیشتر از خسارتهای مالی برای ما باشد.

کوه را از هم شکافد زوری بایان ما  
در هنر همتانندارد خلق عالی شأن ما  
در ظفر کردن به دشمن پرزایمان می روم  
پن به میدان از برای حفظ جانان می روم





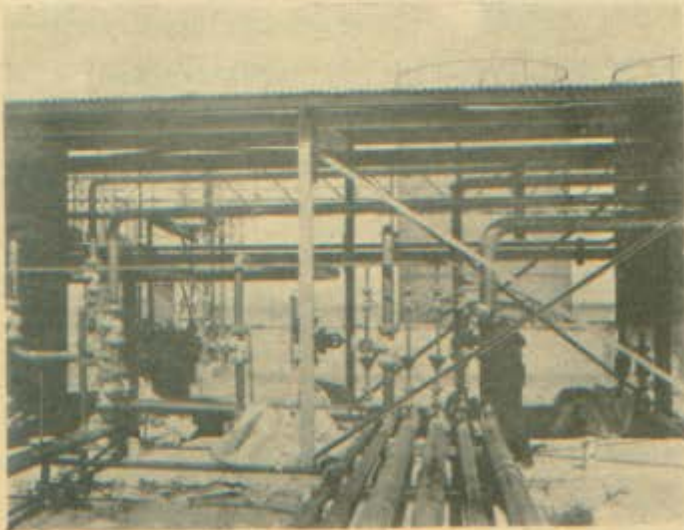


## بازسازی کارخانه بدست کارکنان

آن دستگاها را کنار میگذارند و خودشان دستگاها دیگری مانند همان یا آلیاژ بسیار مناسبی میسازند که اصلاح تولید حرارت نمیکند و به آن جوب تحفه عایق و به اصطلاح سوز فرا نسویها هم احتیاجی ندارد.

صرف نظر از اهمیت فوق العاده‌ی تکنیکی این موفقیتها که نشانه استعداد، توانائی، خلاقیت و صلاحیت کارگران ایرانی در اداره تاسیسات عظیم است جنبه مهمتر این دستاوردها، جنبه سیاسی آنست که در اوضاع کنونی که از یکسوانقلاب اسلامی ما قدم به قدم مستحکم میشود ولی از سوی دیگر ارتجاع و امپریالیسم با تمام نیرو و به اشکال مختلف از جمله تحریم اقتصادی و ایجاد بحرانهای سعی در تخریب و ضرب زدن به انقلاب دارند، نقش برجسته و بسیار موثری در کوتاه کردن دست امپریالیستها، عدم وابستگی، تکیه بر نیروی خود و رشد و شکوفائی اقتصادی و صنایع ملی دارد.

ما این دستاوردهای بزرگ و انقلابی کارگران تکنسینها و مهندسان کارخانه ششم شیشه شیراز را به این قهرمانان واقعی ملی و به عموم کارگران شریف و تمام ملت ایران تبریک میگوئیم و به امید اینکه تمام کارگران ایران با سرمشق قرار دادن و آموختن از تجربیات ارزنده این زحمتکشان قدمهای بزرگتری در این راه پرافتخار بردارند.



هیشت نما بندگی کنند در اسون که به شیشه ساز مسافرت کرده بودند در باره دیدی که از کارخانه ششم شیشه عمل آوردند، با کمال خوشوقتی شاهد ستاورد های چشمگیری کارگران، تکنسینها و مهندسان این کارخانه بودند که برآستی باعث افتخار و غرور هر ایرانی است.

تاسیسات این کارخانه عظیم که ملافرا نسوی و از مدل کاملاً جدیدی است که فرانسویها بطور آزمایشی برای اولین بار در ایران پیاده کردند ولی در جریان انقلاب که فرانسویها اوضاع را بیرون خود ندیدند با میداینکه کارخانه را از کار بیاندازند تمام نقشه ها، قطعات بندکی و لوازم ضروری ماشین آلات را با خود برده و فرار کردند، اما کارگران و تکنسینهای آگاه این کارخانه با تکیه به نیروی لایزال خود، با یکبار بردن خلاقیت و با زوی توانا و همت والای خود، موفق شدند تمام قطعات لازم را با دست خود درست کنند سیستمهای از کار افتاده را یکبار اندازند و با خود سیستمهای جدیدی را احداث نمایند و اکنون کارخانه با ظرفیت نسبتاً خوبی مشغول کار است.

آنها ابتدا قطعاتی را که خود میتوانند بسازند تهیه کنند توسط تراشکاران، مکانیکها، آهنگران و برقکاران خود کارخانه با سیستمهای ساده تر و مخارج کمتر و خواص بهتر، خود تهیه کرده اند و در آن مواردی که به علت نداشتن مواد لازم قادر به تهیه قطعات لازم نبودند، کل سیستم پیچیده و پیر خارج فرانسوی با تمام دم و دستگاهاش را یکبار گذارند و خود با قدرت فکری و ابتکار خود، دستگاها بسیار ساده تر با سیستم دیگری تهیه کرده که تمام ما ختمان آنرا با دست خود ساختند که در مواردی حتی از دستگاها های فرانسوی هم بهتر کار میکنند، برای نمونه در یک دستگاها قطعات کوچک جوسی با خاصیت عایقی بکار میبرفت که این جوب عایق انحصاراً از فرانسه وارد میشد، ولی بر خلاف خاصیتش پس از مدتی کار، این عایقها سوخته بود و فرانسویها از فرستادن آنها خودداری میکردند، تکنسین قسمت مربوطه با کمک همکاران خود ابتدا

## جلسه مشترک شوراهای رشت

در تاریخ ۵۸/۷/۲۵ بدعوت نماینده کنفدراسیون در رشت جلسه مشترکی با حضور نمایندگان شوراهای کارخانجات چوکا، توشیبا، خاور، صنایع جنوب رشت، فرش گیلان، ایران الکتریک، بورسنان و نمایندگان کارگران خیاط و تراشکار و تعدادی کارگران آزاد تشکیل شد. در این جلسه هر یک از نمایندگان با مشکلاتی که در کارخانجات در رابطه با کارفرمایان با آن مواجه هستند، صحبت کردند.

خوشقدم از چوکا ضمن صحبت‌های خود اظهار داشت، موضوع کنفدراسیون روشن نیست که چیست؟ اکثریت کارگران از آن اطلاع ندارند. باید به کارگران آگاهی داد که کارکنان کنفدراسیون چیست و از چه راهی باید وارد شدند تا توجه تمام کارگران را به آن جلب کرد. بنا بر این باید کوشش کنیم برای کارگران و توده‌ها کارگرتوضیح بدهیم که همبستگی در یک کنفدراسیون سراسری جفدر به نفع ما خواهد بود و از چه شیوه‌های سرخوردار خواهد بود. ما با علاقه با آن همکاری خواهیم کرد و از آن حمایت خواهیم نمود.

سپس آقای محمودی نژاد از صنایع جنوب رشت ضمن قرائت نامه گلایه آمیزی که برای کنفدراسیون نوشته بود اعلام داشت: ما همگی میدانیم که یک دست صدا ندارد. برای اینکه به خواسته‌های خود برسیم کنفدراسیون را باید بشناسانیم. من در کارخانه بکنفر بیشتر نیستم من هنوز نتوانستم به دوستان حالی کنم که کنفدراسیون چیست؟ انسان باید مسئولیت قبول کند. من از دوستان کارگرم دعوت کردم که بیایند و اطلاعات به دست آورند، ما میخواهیم که دوستان بیایند و برای ما صحبت بکنند و قرا بدهند که با ززی به تمام کارخانجات سرکشی کنند و گزارشات را به تهران بفرستند ضمناً اکثریت اعضاء شورای ما احساس مسئولیت نمیکنند.

سپس آقای مقدادی کارگری از توشیبا گفت: کنفدراسیون مسئله حساسی است، در بین شوراها اگر برویم و با آنها صحبت کنیم میپرسند که ایدئولوژی آن چیست؟ ما باید خودمان پیشوا شویم و یک چنین سازمانی بسازیم که از تمام کارگران دفاع نماید. ما باید این کنفدراسیون را دعوت

کنیم که برای تمام کارگران صحبت کند، فکر میکنم که این احتیاج به زمان دارد، هرکسی هر مکتبی که دارد باید خودش را فدای کارگر کند ما باید مسئله مکتب را کنار بگذاریم و بخاطر منافع مشترک کوشش بکنیم. سپس خانم میرزا شاد از توشیبا اظهار داشت، باید از مسائل خاص کارگران اطلاع داشته باشیم چون خیلی موثر است. در صورتیکه ما مشکلات کارگران را ندانیم نمیتوانیم با حل نکردن آنها کارگران را مشکل کنیم برای مشکل کردن کارگران باید ابتدا با حل مشکلاتشان به کمک کنفدراسیون، هم کنفدراسیون را بشناسانیم و هم اینکه آنرا قویتر کنیم.

آقای دژآلود از کارخانه ایران الکتریک ضمن طرح مسائل کارخانه خود اعلام داشت: کارفرمایان علاقه‌ای به وجود شوراها ندارند و با آن شدیداً مخالف هستند چون با منافع آنها جور در نمیآید. با ما داریم جکارا باید کنیم ضمناً بهتر است صیبر کنیم تا انتخابات جدید صورت گیرد سپس سراغ شوراها و جدید برویم و آنها را در کنفدراسیون مشکل کنیم.

در پایان مسئول کنفدراسیون در منطقه ضمن سخن با سخگوشی به سئوالات دوستان کارگرو اهداف کنفدراسیون ضرورت بازگردن دفتری را به تمام کنفدراسیون توضیح داد که با استقبال فراوان روبرو شد و کلیه حاضرین خود را متعهد کردند در سال‌های مناسب بگردند و حتی تعدادی راجع به چگونگی تأمین اجاره‌خانه صحبت کردند. در این جلسه تصمیمات زیر اتخاذ گردید:

- ۱- بازگردن هر چه سریعتر دفتری برای کنفدراسیون در رشت
- ۲- جلسات هفتگی با حضور نمایندگان شوراهای کارخانجات و آزادی شرکت دوستان کارگرو در آن
- ۳- تعیین مسئولینی برای تماس با کارخانجات و تقسیم کارخانجات بین این مسئولین
- ۴- دعوت از شوراهای دیگر کارخانجات برای شرکت در جلسات هفتگی



## اطلاعیه

در مجله کارگران ایران - شماره ۳، گزارشی چاپ شده بود از کارخانه چیت سازی تهران (با فکار) که طی مصاحبه با کارگران و بعضی اعضای شورای اسلامی این کارخانه تهیه شده بود. ۲۶ روز پس از انتشار مجله در روزنامه جمهوری اسلامی مورخ ۲۷ شهریور گذشته نوشته‌های آقای علی محمد عرب درج شد که در آن چهار نکته از گزارش مجله مورد تکذیب قرار گرفته و بهمین مناسبت حکمی هم مبنی بر عدم قرائت مجله صادر شده بود.

در تحقیقاتی که بعداً "بعمل آمد روشن شد که گزارش مجله جز در یک مورد عین واقعیت بوده و بیهج وجهی تکذیب ندارد و در تنها موردی هم که به نظر میرسد گزارش کمبود داشته تا این تاریخ که مجله آمده چاپ میشود هنوز تکذیب نامه‌ای از جانب شورای اسلامی کارخانه که تنها مرجع با صلاحیت در این مورد است جهت درج در مجله دریافت نشده است.

قبل از هر اقدامی مسئولان مجله کارگران ایران با حرکت از موضع تفاهم کارگری و با این تصور که احتمالاً این اقدام سهوی بوده، درد و نوبت با آقای

عرب تماس گرفت و ضمن توضیح مسئله، صمیمانه از ایشان تقاضا نمود که نوشته خود را در روزنامه جمهوری اسلامی اصلاح کند. اشتباهات آقای عرب که قبلاً به خود ایشان هم یادآوری شده به شرح زیر است:

۱- عدم تحقیق و بررسی از وضع کارخانه‌ای که خود ایشان در آن کار میکنند،

۲- عدم ارائه مدرک در موارد تکذیب،

۳- عدم رعایت قانون مطبوعات، یعنی فرستادن تکذیب نامه برای روزنامه جمهوری اسلامی به جای مجله کارگران ایران.

۴- زدن اتهامات ناروا (باز هم بدون مدرک) به مجله‌ای که حداقل مورد تأیید هزاران کارگر عضو هیئت موسس کنفدراسیون کارگران ایران است.

با این وجود آقای عرب تنها نوشته خود را اصلاح نکرد بلکه با صدور اعلامیه‌ای در سطح کارخانه با فکار مجله کارگران ایران را مجدداً مورد حمله و اهانته قرار داد.

ما ضمن اظهار تاسف، اعتراض کارکنان مجله و کارگران عضو هیئت موسس را نسبت به این برخورد غیر منصفانه اعلام کرده صمیمانه یادآور میشویم که اینگونه اقدامات نسنجیده جز ایجا در وحیه بدبینی و نفاق بین کارگران ایران شمر دیگری ندارد.

هیئت تحریریه

## چرا ۲۵ ریال؟

تاکنون مجله "کارگران ایران" با قیمت دو تومان به دست شما میرسید، که این دو تومان هزینه چاپ و قیمت کاغذ را به زحمت جواب میداد. اکنون بعلت بالا رفتن دستمزدها، هزینه چاپ و قیمت کاغذ، با قیمت قبلی قادر به تامین مخارج مجله نیستیم و از آنجا که تنها منبع درآمد مجله همین دو تومان بود و از آنجا که میخواهیم از لحاظ مالی ما نند گذشته فقط و فقط متکی به خودمان باشیم، تصمیم گرفتیم قیمت مجله را حدوداً افزایش هزینه‌ها یعنی به میزان ۵ ریال اضافه کنیم. به همین علت از این شماره مجله با قیمت ۲۵ ریال به دست شما میرسد.





۲۵ ریال

نشانی: خیابان طالقانی (تخت جمشید) بین حافظ و مصدق پلاک ۱۴۳ - تلفن ۶۶۲۲۷۹